



آیا شوک وارد می‌شود؟



اقتصاد ایران و ترامپ

نارضایتی معاون رئیس‌جمهور از عملکرد وزارت نفت



هوای آلوده و قوانین اجرا نشده

روزگار سردار

درباره حاج قاسم سلیمانی به مناسبت سالگرد شهادتش



رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم و مقاومت:

پیروزی نهایی از آن مومنان است



یادداشت روز

هزینه‌های که سرمایه‌گذاری است

لوازم بسترساز برای بروز توانمندی‌های نخبگان



پروانه مافی
عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران

در سخت‌ترین برهه از روزهای دشوار منطقه و جهان، دکتر پزشکیان در شرایطی سکان هدایت قوه مجریه را در این اوضاع آشوب‌زده و بهم‌ریخته به دست گرفت که جهان به خصوص منطقه غرب آسیا، آینده‌ای مبهم و فرای تمام پیش‌بینی‌ها و پیش‌داوری‌ها را رقم زده است. در چنین شرایطی، سیاست‌های صادقانه، صمیمانه، دلسوزانه و در عین حال مدیرانه ایشان صدق‌نیت را بر دل‌های مردم تابانید و نور امید و آرامش را پدید آورد. اما همچنان انتظارات محقق نشده زیادی باقی‌مانده است که به نظر می‌رسد تا تحقق کامل آنها راه زیادی در پیش باشد.

واقعیت این است که مدت‌ها فقدان عقلانیت و در نتیجه ناکارآمدی در مدیریت جامعه، انتظارات نخبگان و اندیشمندان را دوجندان کرده است. چه آنان که از بد حادثه سال‌ها در دستگاه‌های اجرایی ماندند و به دلایل متعدد ناشی از تنگ‌نظری‌های بی‌سبب، عزلت‌گزینند و چه آنان که به همین دلایل از ورود و تاثیرگذاری در جریان حرکت رو به جلوی کشور محروم شدند.

رئیس‌جمهور بارها در سخنان خود تاسی به منویات رهبری را سرلوحه کار دانسته و تاکید کرده است: «نباید بگذاریم نخبگان به واسطه برخی سنگ‌اندازی‌ها یا برخوردهای نامناسب از دانشگاه‌ها و ادامه فعالیت در کشور مأیوس شوند. هرچه در این زمینه خرج کنیم هزینه نیست بلکه سرمایه‌گذاری است.»

از جمله پیشنهادها و راهکارهای توجه به نخبگان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱ تحلیل نیازها و اولویت‌ها: لازم است نیازها و اولویت‌های نخبگان با دقت شناسایی و تحلیل شود.
- ۲ بازخورد فعال: ایجاد سازوکار جمع‌آوری بازخورد از نخبگان درخصوص سیاست‌ها و روندها می‌تواند به بهبود و انطباق با نیازهای آنها کمک کند.
- ۳ فرهنگ نوآوری: تقویت فرهنگ نوآوری در جامعه از طریق آموزش‌های فعال و برگزاری جشنواره‌ها، مسابقات علمی و معرفی پژوهشگران موفق.
- ۴ حمایت از تحقیقات کاربردی: ایجاد پل ارتباطی بین تحقیقات بنیادی و کاربردی به منظور تجاری‌سازی دانش و تولید محصولات جدید.
- ۵ توسعه کارآفرینی: تشویق نخبگان به راه‌اندازی کسب‌وکارها و حمایت مالی و مشاوره‌ای از آنها.
- ۶ توجه به تنوع: جذب و حمایت از نخبگان با توجه به تنوع سنی، جنسیتی، نژادی و دیگر ویژگی‌ها.
- ۷ تقویت دیپلماسی علمی: توسعه برنامه‌هایی برای اشتراک دانش و معرفی دستاوردهای علمی در عرصه بین‌الملل.
- ۸ نظارت شفاف: اعتمادسازی در فرآیندهای شفاف اداری و مالی و تشویق نخبگان به شرکت در برنامه‌های مختلف.

باید باور کنیم که نخبگان حکم گنجینه‌های ارزشمند را دارند که بهره‌مندی از توانایی‌های آنها به موفقیت جامعه منجر می‌شود و با ایجاد فرصت‌ها و فضای مناسب، شرایطی فراهم کنیم که آنها بتوانند توانمندی‌های خود را به بهترین نحو به ظهور برسانند.

جنگ انرژی

گازپروم روسیه در اولین روز سال ۲۰۲۵ صادرات گاز از مسیر اوکراین به اروپا را متوقف کرد پیش از این نیز دونالد ترامپ به اتحادیه اروپا هشدار داده بود که باید ناترازی تجاری را با افزایش چشمگیر خرید نفت و گاز آمریکا جبران کنند، وگرنه با افزایش تعرفه‌های واردات مواجه خواهند شد



اولین روز ژانویه ۲۰۲۵

برای اروپایی‌ها با این خبر شروع شد: «صادرات گاز روسیه به اروپا از خاک اوکراین متوقف شد!»



فرشاد گلزاری
گروه بین‌الملل

این خبر آن هم در اولین روز از زمستان سال جدید میلادی بدون شک برای دولت‌ها و ساکنان قاره سبزی یک خبر ناخوشایند به حساب می‌آید و به نوعی تعطیلات را به کام آنها تلخ می‌کند. چندی بعد، شرکت دولتی گازپروم روسیه در بیانیه‌ای در این خصوص اعلام کرد که «به دلیل امتناع مکرر و صریح طرف اوکراینی از تمديد این توافقات، گازپروم از لحاظ فنی و قانونی امکان عرضه گاز برای ترازیت از خاک اوکراین را از دست داد». وزارت انرژی اوکراین نیز اعلام کرد که حمل‌ونقل گاز روسیه از طریق اوکراین «به دلیل منافع امنیت ملی» متوقف شده است. هرمان گالوشچنکو، وزیر انرژی اوکراین در بیانیه‌ای گفت: «ما ترازیت گاز روسیه را متوقف کردیم. این یک رویداد تاریخی است. روسیه بازارهای خود را از دست می‌دهد و دچار خسارت‌های مالی خواهد شد. اروپا نیز پیش‌تر تصمیم گرفته است که گاز روسیه را کنار بگذارد. توقف ترازیت گاز روسیه از اوکراین در بحبوحه جنگ میان دو همسایه که در فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شد، پیش‌بینی شده بود؛ چراکه اوکراین تاکید کرده بود این توافق را تمديد نخواهد کرد. از سوی دیگر گازپروم از سال گذشته، احتمال عدم ترازیت گاز از راه اوکراین که حدود نیمی از کل صادرات خط لوله‌ای روسیه به اروپا به حساب می‌آید را پیش‌بینی کرده بود و حالا این مهم عملیاتی شد.

ادامه در صفحه ۳

کانال سازندگی

واکنش وکلای خاتمی
به ادعای ملاقات با سورس

وکلاي سيدمحمد خاتمي در واکنش به ادعای تکراری حسین شریعتمداری درباره دیدار با جورج سورس گفتند که برخلاف ادعای آقای شریعتمداری پرونده به دادگاه ارجاع نشده و در مرحله دادسرا هم ایشان هیچ دلیلی برای اثبات ادعای خودشان ارائه نکردند و پرونده از سیر طبیعی و قانونی دادرسی خارج شد. در نهایت متأسفانه رسیدگی قانونی صورت نگرفت و مختومه شد. این درحالی است که حسین شریعتمداری در برنامه «جریان» که از شبکه یک سیما پخش شده، ادعا کرده بود که خاتمی با جورج سورس دو مرتبه دیدار داشته و خاتمی از شرکت در دادگاه خودداری کرده است. شریعتمداری مدعی شده، اسناد فراوانی در دست دارند که اثبات کننده ادعای ایشان است؛ از جمله اشاره کردند که آقای خاتمی پس از ملاقات دوم به همراهشان گفته‌اند که مثل اینکه کار خوبی نکردیم. اما به گفته وکلای خاتمی برخلاف ادعای آقای شریعتمداری پرونده به دادگاه ارجاع نشده و در مرحله دادسرا هم ایشان هیچ دلیلی برای اثبات ادعای خودش ارائه نکرد و پرونده از سیر طبیعی و قانونی دادرسی خارج شد. در نهایت متأسفانه رسیدگی قانونی صورت نگرفت و مختومه شد. همچنین برخلاف ادعای آقای شریعتمداری اصلاً قرار نبوده و لزومی نداشته آقای خاتمی به دادگاه مراجعه کند، اصولاً حضور وکیل شاکي در کلیه مراحل دادرسی کافی است؛ لذا آقای شریعتمداری برهیزی از دروغ و تهمت ندارند. دست ایشان خالی است.

خدایا مواظبت از حرف را
به مقاماتمان بیاور

سیدابوالفضل رضوی، نماینده ادوار مجلس می‌گوید که روز سه‌شنبه ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ از قول مقامی نقل شد که پایتخت باید به یک استان ساحلی و استان سمنان منتقل شود. به نظر هر شنونده این سخن جز افزایش قیمت زمین و ساختمان در منطقه اعلام شده، نتیجه دیگری ندارد؟ آیا این سخن در این زمان و در این شرایط صواب است؟ این سخن را چند کارشناس تایید کرده‌اند که مقام عالی کشور بیان می‌کند؟ یکی از مشکلات بزرگ استان سمنان، کمبود آب مورد نیاز جمعیت حال حاضر استان است همچنین یکی از مشکلات مهم دو استان همسایه شمالی استان سمنان آب هست که متأسفانه تعداد زیادی از روستاهای دو استان کمبود آب شرب است اما مزیت بسیار مطلوب استان سمنان دشت وسیع کویر است. آنچه جای سوال است اینکه آیا ابتدا ویژگی‌های خاص لازم برای انتخاب مکان جایگزین تهران معلوم شده است یا خیر اگر معلوم شده لطفاً انتشارش دهند و آیا ابتدا مکان را معلوم می‌فرمایند و بعد ویژگی‌ها را؟ آیا مطالعه شده انتقال مرکز کشور چقدر زمان و چه میزان اعتبار لازم دارد و آیا این اعتبار موجود است؟ آیا مطالعه شده که سیاست توسعه و پیشرفت کشور اصلاح شود؟ یا تغییر مرکز کشور؟ کدام یک برای کشور مفید است؟ زمان زیادی است که انتقال مرکز تصمیم‌گیری کشور مطرح است اما سوال این است که مطالعات انجام شده برای این امر چه میزان است؟ در پایان امیدوارم مقامات به قول ضرب‌المثل «ابتدا سخن خود را بچونند سپس بیان کنند» قرار بود ابتدا کارشناسان نظر دهند سپس مقامات لطفاً به عهد خودمان که گردن‌مان را در گرو آن گذاشتیم، پایبند باشیم.

مخالفت جلیلی با سخنرانی
میرحسین موسوی در تلویزیون

نقل قول علی لاریجانی درباره معانعت سعید جلیلی از حضور میرحسین موسوی در تلویزیون تایید شد. مصطفی سنایی فر، قائم‌مقام سابق دادستان ویژه روحانیت گفت: تنها کسی که با توجه به اختیاراتی که در دیرخانه شورای امنیت ملی داشت و خود را مستظهر به حمایت مقامات عالی کشور می‌دانست، شخص آقای جلیلی بود که با این موضوع [سخنرانی میرحسین موسوی در تلویزیون] مخالفت و اظهار می‌کرد که میرحسین راهی جز توبه و اعلام اشتباه ندارد. سنایی فر همچنین در تایتاک نوشت: اخیراً در رسانه‌های گروهی و برخی سایت‌ها نقل قولی از جناب آقای علی لاریجانی، ریاست محترم سابق مجلس شورای اسلامی در ارتباط با وقایع سال ۸۸ مطرح شد که بنده را به یاد خاطره‌های روشن‌گرانه از آن دوران انداخت که امیدوارم ذکر آن کمکی باشد برای کسانی که طالب حقیقت بوده و در جهت کشف حقایق کوشا بوده و هستن و دو چشم و گوش و عقل خود را به دست تبلیغات گسترده و یک‌سویه جریان افراطی حاکم در کشور - که خود مسببان واقعی به اصطلاح فتنه ۸۸ بوده‌اند - نسپرداند.

تشکیل سازمان ملی مهاجرت

اسکندر مومنی، وزیر کشور: لایحه‌ای تحت عنوان لایحه تشکیل سازمان ملی مهاجرت در مجلس قبل مطرح شد اما به نتیجه نرسید لذا لایحه مذکور توسط وزارت کشور برای ارائه به مجلس آماده شده و امیدواریم این لایحه از سوی مجلس تصویب و سازمان ملی مهاجرت کار خود را آغاز کند. گفتنی است این موضوع یکی از موضوعات مهمی بود که در نشست روز گذشته کمیسیون اصل ۹۰ مجلس هم مطرح شد.

طرف اصلی ظریف

محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با روزنامه خراسان: خب طرف اصلی من در مورد مذاکرات در ایران، شهید سلیمانی بود و طرف اصلی هم در مذاکرات بن شهید سلیمانی بود. ایشان واقعین و کاملاً با نگاه عملیاتی و رسیدن به نتیجه مورد نظر جمهوری اسلامی بحث می‌کرد. اطلاعات بسیار ذی‌قیمتی ارائه می‌کرد و هماهنگی‌های بسیار مهمی در میدان انجام می‌داد که من فکر می‌کنم برای منافع ملی ما بسیار حیاتی بود.

حمله جوان به زیباکلام

روزنامه جوان خطاب به زیباکلام: دکتر زیباکلام را می‌توان نظریه‌پرداز تیرهای چراغ برق دانست! یک بار گفته بود اگر ما به اسرائیل موشک بزینم، او یک تیر چراغ برق سالم در ایران باقی نمی‌گذارد. حالا می‌گوید اگر جلیلی می‌آمد، سر هر تیر چراغ برق یک مأمور می‌گذاشت تا قانون حجاب را اجرا کند. این یعنی ذهن و حتی قلب شما مریض است.

رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم و مقاومت:

پیروزی نهایی از آن مومنان است

رهبر انقلاب اسلامی صبح روز گذشته در آستانه پنجمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی در دیدار خانواده سردار و جمعی از خانواده‌های «شهدای مدافع حرم و شهدای مقاومت» با تبیین برخی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حاج قاسم سلیمانی گفتند: باید با درس گرفتن از این خصوصیات در مسیر هدف اصلی مکتب سلیمانی یعنی «تحقق اسلام و قرآن» حرکت کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با تأکید بر پیروزی دیر یا زود ملت سوریه بر اشغالگران و استمرار مقاومت یمن، فلسطین و لبنان به تجلیل از شهدای مدافع حرم پرداختند و گفتند: سلیمانی، ایران را هم حرم می‌دانست و اگر آن خون‌های پاک نبود، امروز از حریم و حرم و هیچ یک از عتبات مقدس خبری نبود.

رهبر انقلاب حضور مشتاقانه هزاران زائر از ایران و دیگر کشورها بر مزار شهید سلیمانی را نشانه عزت خدادادی و نتیجه اخلاص او دانستند و گفتند: به فرموده قرآن، عزت فقط در دست خداست که باید این حقیقت معرفتی را درک کرد و در سبک و جهت‌گیری‌های زندگی به کار گرفت.

ایشان سردار سلیمانی را مبارزی بزرگ و رفیق عزیز و صمیمی خود خواندند و پیش قدمی و حضور شجاعانه، سریع و به موقع در میدان را از ویژگی‌های بارز سردار نامیدند.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به حضور حاج قاسم از اوایل دهه ۸۰ در میدان مبارزه با شرارت‌های آمریکا در افغانستان و عراق، افزودند: هدف اصلی آمریکا از اشغال این دو کشور، ایران بود اما آن مرد شریف و صادق بدون ترسیدن از ایست ظاهری آمریکا وارد میدان شد و در نهایت، آن اشغالگری‌ها به شکست آمریکا و خنثی شدن آن توطئه بزرگ انجامید. ایشان با یادآوری برهیز سردار سلیمانی از بیان یا نگارش جزئیات نقش آفرینی بی‌بدیل او در آن حوادث گفتند: البته اطلاعات زیادی در این زمینه وجود دارد که باید به صورت اسناد ماندگار در معارف سیاسی کشور درآید و به نسل‌های بعد منتقل شود.

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به دفاع جمع معدودی از جوانان بی‌دفاع و بی‌سلاح عراقی در حرم امیرمومنان (ع) هنگام حمله اشغالگران آمریکایی، گفتند: سردار با احساس تکلیف، همان اول و به سرعت با آن جوانان ارتباط گرفت و آنان را نجات داد که البته مرجعیت هم در آن مساله، حرکت فوق‌العاده و بسیار موثری انجام داد.

ایشان هدف آمریکایی‌ها از اشغال عراق را جانشینی صدام خواندند و گفتند: آمریکایی‌ها آمده بودند که بمانند اما سردار و همراهانش در یک فرآیند سخت و پیچیده و طولانی و در یک جنگ ترکیبی سیاسی، نظامی، تبلیغاتی و فرهنگی در مسیر حاکم شدن مردم عراق بر سرنوش خود نقش اساسی بر عهده داشتند. رهبر انقلاب، شکست توطئه آمریکایی داعش را از دیگر نتایج حضور سریع، به موقع و تعیین‌کننده حاج قاسم در میدان خواندند و گفتند: در مقابله با تروریسم تکفیری، جوانان عراقی به معنای حقیقی کلمه درخشیدند اما در خنثی شدن آن توطئه که حیات و ممانت منطقه به آن وابسته بود، سلیمانی با ابتکار عمل، شهامت، جان بر کفی و قدرت، نقشی بی‌ظنیر ایفا کرد.

ایشان راهبرد همیشگی سردار در فعالیت‌های جهادی را «احیای جبهه مقاومت» دانستند و افزودند: ویژگی بارز سلیمانی این بود که از ظرفیت‌ها و جوانان آماده به کار و نیروهای میهنی سوریه، لبنان و عراق برای احیای مقاومت به بهترین وجه استفاده می‌کرد. رهبر انقلاب با اشاره به فتوای مرجعیت درباره لزوم ایستادگی در مقابل داعش گفتند: هزاران جوان با آن فتوای مهم

به میدان آمدند اما سازماندهی و سلاح نداشتند که سردار با کمک مجاهدان بزرگ عراقی به ویژه شهید ابومهدی که انسان بسیار بزرگ و با ارزشی بود، آن جوانان را سازماندهی کرد و سلاح و آموزش داد. ایشان دفاع از حریم‌های مقدس را اصل ثابت همه دوران جهاد و مبارزه حاج قاسم برشمردند و گفتند: سردار از ایران هم به عنوان دفاع می‌کرد که این منطق دفاع از حریم‌ها و حرم‌های مقدس بسیار مهم و ضروری است.

آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: برای سردار، دفاع از عتبات عالیات، زینبیه، مرقد‌های صحابه امیرمومنان در شام و در عراق و



به‌خصوص مسجدالاقصی، اصل مهم بود و به همین علت شهید هنیه در مراسم تشییع سردار، او را «شهید قدس» نامید.

رهبر انقلاب، خصوصیت بسیار مهم دیگر شهید سلیمانی را تحلیل مسائل کشور با دیدگاه جهانی و برهیز از نگاه بسته و محدود به مسائل خواندند و گفتند: او معتقد بود که هر حادثه مهم منطقه‌ای و جهانی در مسائل کشور ما نیز تأثیرگذار است و با این نگاه و محاسبه، خطر را از بیرون از مرزها تشخیص می‌داد و برای پیشگیری و علاج آن اقدام می‌کرد.

ایشان، ویژگی‌ها و خصوصیات ممتاز شهید سلیمانی را در قالب «مکتب سلیمانی» قابل بررسی دانستند و افزودند: این مکتب همان مکتب اسلام و قرآن است که شهید سلیمانی با پایبندی به آن، تبدیل به «شاخص، مرکز و محور» شد و ما نیز اگر همان ایمان و عمل صالح را داشته باشیم، می‌توانیم تبدیل به سلیمانی و مشمول لطف الهی شویم.

آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان‌شان با اشاره به مقوله مهم دفاع از حرم که خون‌های پاکي به پای آن ریخته شده، گفتند: عده‌ای از روی «فقدان فهم و شناخت و تحلیل درست» از مسائل، این‌گونه تصور و بیان می‌کنند که با وقوع حوادث اخیر منطقه، خون‌های ریخته شده در راه دفاع از حرم، هدر رفته که این تصور و بیان آن، خطا و اشتباهی بزرگ است؛ چراکه اگر مبارزه شجاعانه حاج قاسم و مدافعان حرم نبود امروز خبری از اعتاب مقدسه چه زینبیه و چه حتی کربلا و نجف نبود.

ایشان گفتند: در دوره‌ای، قدری در سامرا غفلت شد و تکفیری‌ها به کمک آمریکا، گنبد و ضریح امامان عسگرین را ویران کردند و اگر جان بر کفی جوانان مومن نبود، سایر اعتاب مقدسه و قبله‌های دل مسلمانان نیز به همان سرنوش اندویدار دچار می‌شد اما مدافعان عزیز و سرفراز حرم جلوی دشمن را گرفتند و به او تودهنی زدند.

رهبر انقلاب، حقیقت دفاع از حرم را علاوه بر دفاع از مکانی مقدس، دفاع از صاحب آن مکان و مکتب امامان بزرگوار خواندند و گفتند: در فرهنگ قرآنی هر خونی که هر جا در راه حق و خدا ریخته شود حتی اگر پیروزی حاصل نشود، هدر نمی‌رود و نزد پروردگار با ارزش است؛ همچنان که خون جناب حمزه در جنگ احد و بالاتر از همه خون حضرت سیدالشهدا (ع) در کربلا هدر

رفت. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: البته پیروزی هم قطعی است و نباید به این جوله و تحرک کنونی باطل نگاه کرد؛ چراکه اینها که امروز جولان می‌دهند، روزی زیر پای مومنین لگدمال خواهند شد.

رهبر انقلاب حوادث سال‌های اخیر و فعالیت‌های نمایان شهید سلیمانی و باران او از جمله حرکت دفاع از حرم را نشانه سرزندگی، طراوت و ثمربخشی شجره طیبه انقلاب خواندند و گفتند: همچنان که در دهه ۶۰ جوانان برای جلب رضایت والدین و رفتن به جبهه‌های جنگ به پای آنها می‌افتادند، در دهه ۸۰ و ۹۰ نیز جوانانی همچون شهید حججی، پای مادر را برای کسب اجازه جهاد می‌بوسیدند که اینها نشان می‌دهد جمهوری اسلامی بعد از ۴۶ سال همچنان زنده است.

ایشان با اشاره به آمادگی میلیون‌ها جوان ایرانی برای فدا کردن جان خود در راه دفاع از اسلام، گفتند: مدافعان حرم نشان دادند که با وجود سرمایه‌گذاری‌ها و هزینه‌های سنگین بدخواهان، پرچم مقاومت همچنان در اهتزاز است و دشمن نتوانسته و نخواهد توانست پرچم مقاومت را در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و ایران پایین بکشد.

آیت‌الله خامنه‌ای، حفظ عوامل اقتدار را برای استمرار ایستادگی و اقتدار ملی هر کشوری ضروری دانستند و گفتند: مجموعه جوانان مومن و آماده فداکاری، مهم‌ترین عوامل ثبات و اقتدار یک کشورند و نباید چنین جوانانی را از صحنه خارج کرد.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: البته در کشور ما این موضوع تا حد زیادی مورد توجه است اما کشورهای دیگر هم باید به آن توجه کنند؛ چراکه با خروج جوانان مومن و فداکار از عرصه، وضعیتی مشابه سوریه و هرج‌ومرج و اشغال خاک آن در حمله بیگانگانی همچون آمریکا، رژیم صهیونیستی و بعضی کشورهای متعرض دیگر، ایجاد خواهد شد.

ایشان استمرار حضور اشغالگران متجاوز در سوریه را ناممکن دانستند و گفتند: سوریه متعلق به مردم سوریه است و متعرضان به خاک سوریه، بدون تردید روزی در مقابل قدرت جوانان غیور سوری مجبور به عقب‌نشینی خواهند شد.

رهبر انقلاب با اشاره به ساخت پی‌درپی پایگاه‌های آمریکایی در سوریه، گفتند: متجاوز باید از خاک متعلق به یک ملت خارج شود، وگرنه او را اخراج می‌کنند؛ بنابراین پایگاه‌های آمریکایی هم حتماً در زیر لگد جوانان سوری پایمال خواهد شد.

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه پیروزی نهایی از آن مومنان است، گفتند: لبنان نماد مقاومت است و اگرچه زخم خورده اما خم نشده و در نهایت پیروز خواهد شد همچنان که یمن نیز نماد مقاومت است و پیروز خواهد بود و ان‌شالله دشمنان متجاوز و در رأس آنها آمریکای طغاع و جنایتکار مجبور خواهند شد، دست از سر مردم منطقه بردارند و با ذلت از منطقه خارج شوند.

رهبر انقلاب همچنین در ابتدای بیانات خود، ماه رجب را ماه دعا، عبادت و توسل الی‌الله خواندند و با اشاره به ادعیه سرشار از مضامین و مفاهیم بلند الهی این ماه، افزودند: باید از فرصت رجب برای اتصال دل‌ها، جان‌ها و نیت‌ها به دریای بی‌کران رحمت الهی استفاده کرد و از خداوند، همت، توان و توفیق بندگی خواست.

در این دیدار، خانواده سردار سلیمانی، جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، خانواده شهدای حادثه تروریستی گلزار شهدای کرمان در سال گذشته، خانواده شهدای مراسم تشییع پیکر حاج قاسم سلیمانی در سال ۹۸ و شماری از خانواده مجروحان و شهدای حوادث اخیر لبنان حضور داشتند.

دیدگاه: گزارش خارجی

اشتباه کردم

چرا امانوئل مکرون دستور خود برای برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی در فرانسه را غلط خواند؟

امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در سخنانی به مناسبت آغاز سال نو میلادی به ابراز پشیمانی پرداخت و اذعان کرد که تصمیم او برای برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی در ژوئن بی‌ثباتی سیاسی بیشتری در این کشور ایجاد کرده است.

این سخنرانی، سال ۲۰۲۴ پر فرازونشیبی را برای مکرون رقم می‌زند؛ سالی که در آن رهبر فرانسه در نیمه‌های سال با برگزاری انتخابات زودهنگام، ملت فرانسه را شوکه کرد، آن هم در قمری که نتیجه معکوس داشت و رای‌دهندگان فرانسوی، مجلس بلاتکلیفی را با افزایش زیاد قانونگذاران راست افراطی ارائه کردند و قدرت مکرون کم‌رنگ شد.

مکرون شامگاه سه‌شنبه در سخنرانی تلویزیونی خود پیش از جشن‌های سال نو گفت: «شفافیت و فروتنی، من را وادار می‌کند تا اعلام کنم که در این مرحله، این تصمیم (انتخابات پارلمانی زودهنگام) بیش از صلح، بی‌ثباتی ایجاد کرده است و من کاملاً به تبعات آن متعهد هستم.» او افزود: «انحلال پارلمان بیش از آنکه راه‌حلی برای مردم فرانسه ایجاد کند، در مجلس اختلاف ایجاد کرد.»

پیش‌تر رئیس‌جمهور فرانسه تصمیم خود برای برگزاری انتخابات زودهنگام در کشورش به دنبال شکست در انتخابات اروپا را با نیاز به «روشن کردن» وضعیت سیاسی توجیه کرده بود. اما مکرون اکثریت عملیاتی خود را از دست داد و دو ماه طول کشید تا یک دولت اقلیت را معرفی کند که در نهایت آن هم در دسامبر سقوط کرد و این اولین بار از سال ۱۹۶۲ بود که چنین اتفاقی در فرانسه رخ داد. در نتیجه فرانسه نتوانست بودجه سال ۲۰۲۵ را قبل از پایان مهلت پایان سال تصویب کند و مکرون مجبور شد، چهارمین نخست‌وزیر خود را در این سال معرفی کند و بعد «فرانسوا بایرو» کهنه‌کار میانه‌رو در دسامبر روی کار آمد.

مکرون همچنین بدون استفاده از این کلمه، راه را برای استفاده از همه‌پرسی در سال جاری باز کرد و گفت از فرانسوی‌ها می‌خواهد در مورد موضوعات «تعیین‌کننده» تصمیم بگیرند بدون اینکه توضیح بیشتری ارائه دهد که منظور او کدام موضوعات است.

رئیس‌جمهور فرانسه گفت: «می‌خواهم که ما با در نظر گرفتن سال ۲۰۵۰ کار کنیم. ما برای اقتصاد، دموکراسی، امنیت و فرزندانمان انتخاب‌هایی خواهیم داشت». قانون اساسی فرانسه به رئیس‌جمهور این اختیار را می‌دهد تا همه‌پرسی را به جریان بیاورد. مکرون همچنین در گذشته از «کنوانسیون‌های شهروندی»، گردهمایی شهروندانی که به طور تصادفی انتخاب شده‌اند و هیچ‌گونه قدرت الزام‌آوری ندارند برای سرکوب اعتراضاتی مانند جنبش جلیقه زردها در مورد موضوعات خاص استفاده کرده است. امانوئل مکرون در مورد مسائل بین‌المللی که در آن قدرت‌های دیپلماتیک و نظامی گسترده‌ای را حفظ می‌کند، گفت اتحادیه اروپا باید از سادهدلوح بودن در تجارت بین‌المللی دست بردارد، درحالی که این بلوک بسا تهدیدهای اعمال تعرفه از سوی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده مواجه است.

او گفت: «ما باید به قوانین تجاری که توسط دیگران وضع شده است، نه بگویم؛ آن هم وقتی ما تنها کسانی هستیم که هنوز از آنها پیروی می‌کنیم. باید به هر چیزی که ما را بیشتر به دیگران وابسته می‌کند، بدون سبک و سنگین کردن و بدون آماده کردن آینده، نه بگویم».

او همچنین از جنگ در اوکراین و غرب آسیا و آنچه دستکاری انتخابات در گرجستان، رومانی و مولداوی خواند به عنوان مدرکی برای اروپا یاد کرد که نباید امنیت خود را بدیهی بداند. امانوئل مکرون گفت به همین دلیل است که اروپا باید از واگذاری امنیت و دفاع خود به دیگر قدرت‌ها دست بردارد. او سرکای اتحادیه اروپا که اغلب به چتر امنیتی ایالات متحده متکی هستند را ترغیب کرد تا برای دفاع از خود بیشتر تلاش کنند.

رویترز



اعدام ۶ ایرانی در عربستان

وزارت کشور عربستان (چهارشنبه) از اعدام ۶ نفر با تابعیت ایرانی که به اتهام «قاچاق مواد مخدر به این کشور» محکوم شده بودند، خبر داد. براساس گزارش واس، این وزارتخانه همچنین ادعا کرد: «نیروهای امنیتی توانستند، افراد فوق‌الذکر را دستگیر کنند و تحقیقات صورت گرفته و بازجویی از آنها منجر به تفهیم اتهام ارتکاب جرم و ارجاع آنها به دادگاه ویژه شد».



گفت‌وگو با اروپا

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر خارجه اعلام کرد که دور جدید گفت‌وگوها بین ایران و سه کشور اروپایی در سیزدهم ژانویه (۲۴ دی) در ژنو برگزار خواهد شد. وی تأکید کرد: ما اهل پیش‌بینی نیستیم و باید وارد گفت‌وگوها شویم تا ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد. همان‌طور که قبلاً اعلام کرده‌ایم، اینها گفت‌وگو است و مذاکره نیست.



فرار از محاکمه

کابینه اسرائیل برای بررسی سازوکار رسیدگی به حکم بازداشت بنیامین نتانهاو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل و یوآو گالانت، وزیر سابق جنگ اسرائیل از سوی دیوان کیفری بین‌المللی و نیز راه‌های امکان کاهش تبعات آن، یک تیم وزارتی تشکیل می‌دهد. رسانه‌های اسرائیل اعلام کردند که دیگر وظایف این تیم بررسی راه‌های ممکن برای اجبار دادگاه لاهه است تا از این حکم خود منصرف شود.



ادامه تیتیر یک

جنگ انرژی

باید متوجه بود که اوکراین براساس یک توافق ۵ ساله‌ای که در سال ۲۰۱۹ امضا شد به روسیه اجازه داد که از طریق خاک اوکراین گاز خود را به اروپا بفرستد اما با فرارسیدن سال نو میلادی این توافق منقضی شده درحالی که اوکراین نیز در واکنش به حمله روسیه به خاک خود با تمهید کردن توافق مخالفت کرده است. هرچند اروپا از زمان اعزام قوای ارتش روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به خاک اوکراین تلاش زیادی برای کم کردن از اتکایش به گاز روسیه داشته اما چندین کشور حوزه شرق اروپا همچنان برای تأمین بخش عمده‌ای از نیازهایشان در حوزه انرژی چشم به مسکو دارند. در این میان با توجه به اینکه صادرات گازی از منبع‌های درآمدی مهم برای کرملین به حساب می‌آید «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین مایل به قطع آن است. این درحالی است که تقریباً یک‌سوم گازی که روسیه به اروپا می‌فروشد از طریق خاک اوکراین انتقال می‌یابد.

خبرگزاری فرانسه در این خصوص نوشت، داده‌های (سه‌شنبه) شرکت اپراتور اوکراینی OGTSU نشان داد که از اول ژانویه ۲۰۲۵ تحویل گاز روسیه از تنها نقطه ورودی به اوکراین به سطح صفر می‌رسد. حادثه‌ترین وضعیت برای مولداوی که با اوکراین هم‌مرز بوده و با جدایی طلبان مورد حمایت روسیه در داخل خود دست‌وپنجه نرم می‌کند به وجود آمده است. این کشور کوچک شرق اروپا از قبل با توجه به اینکه انتظار قطع گاز از سوی کی‌یف را داشته، دست به اجرای یک وضعیت اضطراری ۶۰ روزه زده است.

با این وجود نیروگاه برق این منطقه مورد حمایت مسکو همچنان عرضه‌کننده دوسوم از برقی است که در سراسر این کشور مصرف می‌شود. مایا ساندو، رئیس‌جمهور مولداوی ادعا کرد: «کرملین بار دیگر به باج‌گیری با انرژی متوسل شده تا بر انتخابات پارلمانی ۲۰۲۵ اعمال نفوذ کرده و مسیر اروپایی ما را تضعیف کند». این سیاستمدار متمایل به اروپا در ماه نوامبر در انتخاباتی که با مناقشه بر سر اتهام مداخله روسیه در آن همراه شد، مجدداً پیروز شد. دولت مولداوی تدابیر سخت و سختی را به منظور محدود کردن مصرف انرژی به اجرا درآورده از جمله اینکه روشن بودن چراغ‌ها در ساختمان‌های دولتی و استفاده از آسانسورها را محدود کرده است.

اسلواکی نیز در شرق اروپا تأثیر بدی از تصمیم اخیر کی‌یف دیده و به آن اعتراض کرده است. رابرت فیئتس، رئیس‌جمهور اسلواکی که یکی از معدود متحدان کرملین در داخل اتحادیه اروپاست در نامه‌ای به بروکسل تصریح کرد: «پذیرفتن تصمیم

اوکراین باید مورد نظر قرار بگیرد این است که کمی قبل از این اقدام گازپروم، دونالد ترامپ به صورت مستقیم اتحادیه اروپا را در خصوص خرید گاز و انرژی تهدید کرده بود. ترامپ جمعه گذشته در پستی در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» اعلام کرد که به اتحادیه اروپا گفته است باید ناترازی تجاری را با افزایش چشمگیر خرید نفت و گاز آمریکا جبران کنند، وگرنه با افزایش تعرفه واردات محصولاتی چون خودرو و ماشین‌آلات آن‌ها مواجه خواهند شد.

این درحالی است که اتحادیه اروپا به ویژه بعد از تحریم نفت و گاز روسیه به خاطر تهاجم نظامی به اوکراین، خرید نفت و گاز از آمریکا را به شدت افزایش داده اما هنوز هم در مجموع کل تراز تجاری اتحادیه و آمریکا به زیان ایالات متحده است. به عنوان مثال صادرات اتحادیه اروپا به آمریکا در سال گذشته حدود ۲۱۰ میلیارد دلار بیشتر از واردات این اتحادیه از آمریکا بود. سخنگوی کمیسیون اروپا اخیراً در واکنش به سخنان تهدیدآمیز ترامپ گفته بود که «این اتحادیه آماده مذاکره با ترامپ برای تقویت روابط از جمله در حوزه انرژی است و ما متعهد به توقف خرید انرژی از روسیه و جایگزین کردن آن با منابع انرژی دیگر کشورها هستیم.

نکته مهم این است که حدود ۱۸ روز دیگر ترامپ قرار است مراسم تحلیف خود را برگزار کند و برای بار دوم وارد کاخ سفید شود و این در حالی است که او چندی پیش اعلام کرده که بر همه کالاها وارداتی ۱۰ درصد تعرفه وضع خواهد کرد. این رقم برای کالاهای وارداتی از چین ۶۰ درصد خواهد بود و تعرفه اضافی بر کالاهای وارداتی از مکزیک و کانادا هم اعمال خواهد کرد.

در آخر باید توجه داشت که اتحادیه اروپا، تلاش‌های خود برای کاهش وابستگی به انرژی روسیه را پس از آغاز عملیات نظامی مسکو در اوکراین در سال ۲۰۲۲ افزایش داد؛ به‌گونه‌ای که واردات گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) از قطر و آمریکا به اتحادیه اروپا برای تأمین گاز از منابع دیگر کمک کرده است همچنین از نروژ (از طریق خط لوله) گاز وارد اتحادیه اروپا می‌شود اما با وجود پیشرفت اتحادیه اروپا در کنار گذاشتن واردات گاز روسیه از مسیر اوکراین، این منطقه تأثیر این اقدام را با هزینه‌های بالاتر انرژی که به رقابت‌پذیری صنعتی در مقایسه با آمریکا و چین ضربه زده، لمس خواهد کرد و می‌تواند مشکلاتی را برای قاره سبز و معیشت آن به وجود بیاورد.

یکجانبه رئیس‌جمهور اوکراین کاملاً غیرمنطقی و اشتباه بوده و باعث تأثیرات مالی عمده در یک دوران اقتصادی پیچیده می‌شود». نخست‌وزیر اسلواکی تهدید به قطع شریان برقی که شدیداً مورد نیاز اوکراین است، کرده درحالی که زیرساخت انرژی کی‌یف آسیب شدیدی در طول حدود سه سال جنگ با روسیه متحمل شده است. مجارستان که همچون اسلواکی متحد با روسیه باقی‌مانده در این میان بخش عمده گاز خود را از طریق خط لوله دریای سیاه دریافت می‌کند بنابراین عمدتاً تأثیری از تصمیم اوکراین ندیده است. از سوی دیگر یکی از سخنگویان کمیسیون اروپا با کم اهمیت شمردن آثار قطع صادرات گاز روسیه از طریق اوکراین گفت که اتحادیه اروپا آماده این رخداد بوده است. وی افزود: زیرساخت‌های گازی اروپا برای تهیه گاز از مبادی غیرروس و از طریق مسیرهای جایگزین برای مرکز و شرق اروپا انعطاف کافی دارند.

چرا مسیر اوکراین مهم بود؟

آنچه در این میان اهمیت پیدا می‌کند این است که مسیر انتقال گاز روسیه به اروپا از اوکراین، حدود نیمی از کل صادرات گاز خط لوله روسیه به اروپا را تشکیل می‌داد اما باید متوجه بود که روسیه همچنان از طریق خط لوله ترک‌استریم، که از بستر دریای سیاه عبور می‌کند، به صادرات گاز به اروپا ادامه خواهد داد. خط لوله ترک‌استریم که گاز روسیه را به اروپا منتقل می‌کند، دو شاخه دارد: یکی برای بازار داخلی ترکیه و دیگری برای تأمین مشتریان اروپای مرکزی از جمله مجارستان و صربستان. یورونیوز در این خصوص نوشته است که خطوط انتقال گاز روسیه به اوکراین از طریق اروپا در حالی متوقف می‌شود که خط لوله یامال-اروپا که از بلاروس عبور می‌کرد نیز تعطیل شده و مسیر نورد استریم که از دریای بالتیک به آلمان می‌رسید در سال ۲۰۲۲ تخریب شد.

کشورهایی که همچنان گاز روسیه را از طریق اوکراین خریداری می‌کردند مانند اتریش نیز ترتیباتی برای تأمین جایگزین انجام داده‌اند اما خطوط لوله مختلف روسیه در مجموع در سال ۲۰۱۸ معادل ۲۰۱ میلیارد مترمکعب گاز به اروپا منتقل کرده بودند و این میزان در سال ۲۰۲۳ به حدود ۱۵ میلیارد مترمکعب از طریق اوکراین کاهش یافته بود که یک ضرر بسیار مهم و عمیق برای روسیه به حساب می‌آید.

ترامپ و هشدار به اروپا

آنچه در مورد قطع صادرات گاز روسیه به اروپا از مسیر

مرور

ناقوس مرگ

نویسنده‌گانی که سال ۲۰۲۴ دنیا را ترک کردند



سال ۲۰۲۴ برای جهان ادبیات با فقدان‌هایی همراه بود و نویسندگان بزرگی چون پل آستر، آلیس مونرو، اسماعیل کاداره و دیگر چهره‌های مطرح در این سال درگذشتند و میراثی جاودان از خود بر جای گذاشتند.

پل آستر: نویسنده آمریکایی سه‌گانه «نیو یورک» یکی از مهم‌ترین چهره‌های ادبی بود که ۳۰ آوریل سال ۲۰۲۴ در ۷۷ سالگی درگذشت. داستان‌های او مملو از مضامین اتفاقات تصادفی، شانس و سرنوشت نوشته شده‌اند. بسیاری از قهرمانان داستان‌ها، خود نویسنده هستند و مجموعه آثار او خودارجاعی است و شخصیت‌هایی از رمان‌های اولیه دوباره در رمان‌های بعدی ظاهر می‌شوند. آستر با انتشار «شهر شیشه‌ای» در سال ۱۹۸۵ که نخستین جلد از سه‌گانه «نیو یورک» بود به موفقیت چشمگیری دست یافت. این نویسنده به طور مرتب در دهه ۸۰، ۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی بیش از ده‌ها رمان از جمله «قصر ماه» (۱۹۸۹)، «موسیقی شانس» (۱۹۹۰)، «کتاب اوهام» (۲۰۰۲) و «شب پیش‌گویی» (۲۰۰۳) منتشر کرد.

آلیس مونرو: نویسنده کانادایی برنده نوبل ادبیات و از بزرگ‌ترین نویسندگان داستان کوتاه بود که ۱۳ می ۲۰۲۴ در ۹۲ سالگی درگذشت. او که برای بیش از ۶۰ سال، زندگی روزمره را از دریچه داستان کوتاه بررسی می‌کرد، بیش از یک دهه از زوال عقل رنج می‌برد. مجموعه آثار مونرو که زمانی با لقب «جخوف کانادایی» نامیده می‌شد، بر اساس فرم‌ها و موضوعاتی بود که به‌طور سنتی توسط جریان اصلی ادبی نادیده گرفته می‌شد. سال‌ها بعد که شهرت مونرو رو به افزایش رفت، داستان‌های کمتر دیده شده‌اش از افراد به‌ظاهر ساده در شهر کوچک کانادایی، تعداد زیادی جوایز بین‌المللی از جمله جایزه نوبل ادبیات ۲۰۱۳ را برای او به ارمغان آورد.

اسماعیل کاداره: از او با عنوان غول ادبیات آلبانی یاد می‌شود و بیش از ۶۰ سال در حوزه شعر و ادبیات داستانی فعالیت داشت. کاداره اول ژوئیه ۲۰۲۴ در ۸۸ سالگی درگذشت. کاداره در رمان‌هایش از جمله «ژنرال ارتش مرده»، «محاصره» و «قصر رویاها» به جامعه معاصر از دریچه تمثیل و اسطوره‌شناسی پرداخته است. پس از فرار او به پاریس، یعنی تنها چند ماه قبل از فروپاشی دولت کمونیستی آلبانی در سال ۱۹۹۰ شهرت او رو به افزایش بود چراکه در داستان‌هایش به مردم این منطقه رجوع می‌کرد. کاداره برای آثارش که شامل بیش از ۸۰ رمان، نمایش‌نامه، فیلم‌نامه، شعر، مقاله و مجموعه داستان است، جوایز بین‌المللی متعددی از جمله جایزه بوکر بین‌الملل را دریافت کرد و آثارش به ۴۵ زبان ترجمه شده است.

نیکسی جیوانی: شاعر برجسته آمریکایی و یکی از صداهای پیش‌گام جنبش هنر سیاه‌پوستان دهه ۱۹۶۰ بود که ۹ دسامبر در ۸۱ سالگی درگذشت. او سال ۱۹۶۸ دو مجموعه شعر نخست خود را با نام‌های «احساس سیاه، صحبت سیاه» و «قضاوت سیاه» منتشر کرد و حرفه‌ای را آغاز کرد که شامل بیش از ۳۰ کتاب از جمله «کسانی که بر بادهای شب سوارند» و «دوچرخه‌ها: عاشقانه‌های نیکسی جیوانی» می‌شود. جیوانی دهه ۱۹۷۰ با نوشتن اشعاری درباره آزادی سیاه‌پوستان هم‌چنین عشق، جنسیت و... به یک شخصیت عمومی تبدیل شد.

جان پارت: نویسنده مطرح و پست‌مدرنیست آمریکایی بود که ۲ آوریل ۲۰۲۴ در ۹۳ سالگی درگذشت، نویسنده‌ای شوخ و باهوش که رمان‌های تاریک کمیک و پیچیده‌اش حول هنر ادبیات می‌چرخید و بحث‌های بی‌شماری را بر سر هنر داستان‌نویسی به راه انداخت. بسات همراه با ویلیام گس، استنلی الکنز و سایر هم‌تایان، بخشی از موجی از نویسندگان در دهه ۱۹۶۰ بودند که استانداردهای زبان و طرح داستان را به چالش کشیدند. پارت نویسنده ۲۰ کتاب از جمله «عامل سنا-وید» و «گیلز گوت بوی» و یک مری نویسنده‌گی کالج بود که از پست‌مدرنیسم در ادبیات دفاع می‌کرد. ماریسز گنده، چوپنگ یانو، الیاس خوری، ژاک روبرو و اسکات مومدی از دیگر نویسندگان شاخصی بودند که سال ۲۰۲۴ درگذشتند.

سه‌پرده از عشق

گفت‌وگو با محمود مکتبی به بهانه نمایشگاه زر در گالری شریف

آیدین باقری
پژوهش‌گر تجسمی

راجع به ایده و مسأله مرکزی نمایشگاه صحبت کنیم، این که چطور خواستید بین فرم شعر و اثر هنری در هنرهای تجسمی پیوند ایجاد کنید و این موضوع چرا برای شما مسأله است؟

مسأله اصلی این نمایشگاه عشق بوده است، این پروژه سه‌گانه است یعنی شامل سه نمایشگاه است که در واقع این اجرا با عنوان «زر» بخش نخستین‌اش بوده و نکته دومی که شاید پاسخ سوال شما باشد این است که حجم بسیاری از کارهای من در سه سال اخیر شعرها و متن‌هایی بوده که نوشته‌ام و پایه و بنیان این نمایشگاه نیز شعر بوده است. بنابراین تا جای ممکن تلاش کردم چیزی که خودم درک و احساس کردم را مخاطب نیز تجربه کند، در واقع فهم نمایشگاه با شعر، متن و کلمه است و بسیار پرهیز کردم از این که بخواهم اولویت را به فرم یا تصویر بدهم. به بیان دیگر نمی‌خواستم سمت تایپوگرافی یا بازی با فرم حروف و کلمه‌ها بروم. خط فارسی از این جنبه بسیار فریبنده و جذاب است، نمی‌گویم نباید سمت این‌ها رفت، انتخاب من نبود و دوست داشتم، شعر باقی بماند و خوانده شود. از همین رو از ابتدای کار قباب‌های زیادی از شعر داشتم و اصلاً به غیر از شعر هیچ چیز دیگری نبود یعنی تمام طراحی‌ها و تمام آن چیزهایی که وجه بصری و تصویری خاصی را تداعی می‌کرد یا می‌توانست تبدیل به نماد شود، حذف شده بود. صرفاً قرار بود که من از شعرها استفاده کنم و چیدمانی از آن‌ها انجام دهم اما در نسبت آن چیزی که به آن فکر می‌کردم، پاسخ‌گو نبود یا شاید هم در واقع زیادی احساسی بود. مسأله بد یا خوب بودن یک ایده نبود بلکه به آن چیزی که فکر کرده بودم خیلی نزدیک نبود، نمی‌خواستم مخاطب یک دفتر شعر را ورق بزند و بخواند بنابراین با گل‌ها ترکیب‌شان کرده و چاپ گرفتم، اما باز هم من را کمی دورتر کرد، چون دوباره به من تصویر عرضه می‌کرد و آن تصویر بر فرم و نوشته غلبه داشت. بنابراین تصمیم گرفتم کاری را که خیلی دوست داشتم، انجام بدهم و آن کار کردن با فلز و تسمه‌های آهنی بود. این فرم اجرا چند دلیل برایم داشت یکی این که تمرکز بر شعر را هم چنان باقی می‌گذاشت و نکته دیگر این بود که رفتار متفاوتی با شعر در نسبت مخاطب داشت، برای مثال دو بند اصلی شعر یک نوشته سه متری بود که مخاطب با آن روبه‌رو می‌شد و آن فضا کمی به من کمک می‌کرد آن چیزی که همیشه عادت داریم در خواندن یا حتی گوش دادن به شعر را بشکنند و تغییر دهد و سعی کردم، عادت‌های مواجعه با شعر را به شکلی کنار بگذارم و تغییر دهم، این در واقع دلیلی برای کار کردن با فلز و آهن بود.

عنوان نمایشگاه زر است اما عنوان سسم را هم در نمایشگاه می‌بینیم که مربوط به بخش دیگری از کارهاست... و در نگاه نخست شاید متضاد با آن مضمونی باشد که شما می‌گویید، ارتباط سس‌ها با دیگر آثار چیست؟

آمدن واژه سس نیز یک شکل ترکیبی از کارهای چند سال اخیر من بوده است، زمانی که من در پرسمزنی‌ها دنبال گل و گیاه‌ها می‌رفتم هر کدام را که برمی‌داشتم، یادداشتی نیز درباره آن می‌نوشتم و در بسیاری از اوقات در همان کاغذها شعرهایم را می‌نوشتم، برای همین در واقع حال و هوای آن گل‌ها و گیاهان و سس‌هایی که کار می‌کردم کاملاً با آن فضای شعر برای خودم یکسان بودند، بنابراین تصمیم گرفتم در کنار شعرها و نوشته‌ها از گل‌ها هم استفاده کنم. حال می‌خواهم به آن ایده مرکزی برگردم یعنی از عشق صحبت کنم که البته بیان شخصی من از عشق است، به‌زعم من بخش ابتدای عشق مثل ضربه‌ای است که آدم می‌خورد و گیج و متنگ از ضربه است و نیاز به سکوت و راه رفتن دارد چراکه ادراک آدم به شکلی به هم می‌ریزد و تغییراتی در نگاه به پیرامون ایجاد می‌شود و شاید باید بگویم دست‌کم برای من تجربه‌ای به این شکل بوده و وقتی با این حال در طبیعت می‌رفتم آن نگاه و حال و هوا برام متفاوت بود تا پیش از آن حال، خب من قبلاً در طبیعت بسیار کار کرده بودم ولی بعد از تجربه عشق نوع نگاهم عوض شده بود، هم‌خوانی آن سس‌ها با آمدن گل‌ها همانند تضاد و بالا و پایین شدن در عشق بود، یعنی در عشق گاهی در اوج هستی و گاهی در پایین‌ترین حال، یک روز در شادترین حال و روزی دیگر در غمگین‌ترین حال هستید و به نظر من این نوسان در عشق مثل حال بین مرگ و زندگی بود، برای همین وقتی سراغ گیاهان و گل‌ها رفتم، برام این نکته خیلی جالب بود که ما به راحتی در کوچه و خیابان و دشت می‌توانیم گل‌ها و گیاهانی را پیدا کنیم که خوردن یا بو کردنشان می‌تواند، باعث مرگ شود در حالی که عملاً این ویژگی قسمت زندگی بخش این گیاه و بخش تدافعی آن است. این که گفتم استفاده از عنوان سس بهتر از زهر هست نیز به همین دلیل است چراکه سس حالت تهاجم ندارد بلکه برای دفاع کردن گیاه است.

اما می‌تواند آسیب‌زننده باشد. چرا سس و برای مثال دارونه؟
اتفاقاً این برام مهم بود، توجه کنید همین سس ساخته شده،



می‌تواند به قول شما با یک دستکاری بسیار جزئی و اضافه شدن چیز دیگری به دارو هم تبدیل شود و من به راحتی می‌توانستم این‌ها را به عنوان دارو به نمایشگاه بیاورم، حال چرا این قدر با تأکید سسم آوردیم، چون فرآیند ساختن‌اش بسیار سخت است و من چیزهایی را از دل گیاه بیرون کشیدم که سسمی‌ترین بخش ممکن‌شان بوده است و می‌توانستم این‌ها را با کار راحت‌تری به عنوان دارو و مرهم در نمایشگاه بیاورم، در واقع جذابیت و اهمیتش برایم این بود که آن چیزی که کشنده است را از دل این گیاهان بیرون بیاورم و مطمئناً بعد از نمایشگاه تغییرشان خواهم داد و تبدیل می‌شوند به همان دارو.

می‌خواستم آدم‌ها همان حالی را تجربه کنند که در دیدن گل‌ها، تجربه می‌کنند که عموماً یک حال خوب است. آن ارتباط، آن فرم و رنگ و بافت گل‌های خشک در کنار شعرها عموماً یک تجربه خوشایند است، می‌خواستم این تضاد وجود داشته باشد.

ما محمود مکتبی را بیشتر به واسطه اجراهایش یادغذیه‌هایش در ارتباط با هنر محیطی می‌شناسیم، این رویکرد تازه را می‌توان نوعی چرخش فهمید؟ یا این که صرفاً محدود به مرزهای همین نمایشگاه است؟

اگر بخواهید به لحاظ نوع رفتار هنری من، این سال‌ها را به طور ویژه بازبینی کنید، مثلاً سس‌ها را کنار بگذارید شاید به نحوی چرخش محسوب شود چون خیلی سراسر دارم مجسمه می‌سازم و حجم ارائه می‌کنم اما اگر بخواهم کمی کلی‌تر ببینم و صرفاً فرم را نبینم، خودم این احساس را نسبت به آن ندارم، کما این که موضعی هم ندارم، یعنی فکر می‌کنم هر آدمی در این موضوع آزاد است؛ برای مثال من با این که الان فکر می‌کنم حداقل ۱۵ سال است که نقاشی نکرده‌ام ولی اگر احساس کنم، ایده‌ای دارم که می‌شود با نقاشی ارائه‌اش داد مسأله‌ای ندارم که دوباره سراغ نقاشی بروم. شاید به شکل کلاسیک‌اش در ذهن ما این‌طور باشد چرا در جایی که فود آرت، هنر محیطی، پرفورمانس کار می‌کنید دوباره سمت نقاشی می‌آید اما این برای من مهم نیست، در کل ذهنم معمولاً تجربه‌گراست و بیشتر سعی کردم، کاری را انجام دهم که جسورانه‌تر باشد. هیچ‌وقت در کار هنر محتاط عمل نکرده‌ام. ارائه کردن شعر شاید تکنیک قدیمی باشد ولی این شکل ارائه فکر می‌کنم، کار ویژه‌ای بود که انجام دادم.

البته در نگارگری‌ها از گذشته تا دوره معاصر شعر و نوشته داریم اما ارائه من مشخصه و نکاتی داشت، از جمله این که در این نمایشگاه شعرهای شخصی خودم را ارائه کردم و از اشعار و متون دیگران

می‌تواند بود در گالری دیگری نمایش بدهم یا مطمئناً یک چیزهایی می‌توانست کم و زیاد شود. با توجه به بازخوردی که گرفتم این را می‌گویم. بخشی از کارها را در این نمایشگاه بیاوردم که شاید بودن‌شان می‌توانست کمک بیشتری به این نمایشگاه بکند.

بخش مربوط به سس‌ها برای بسیاری از مخاطبان قابل توجه بود. شاید در نسبت با شرایط اجتماعی، سیاسی که در حال حاضر تجربه می‌کنیم اما در نسبت با تجربه عشق هم برای بسیاری تداعی‌کننده تجربیات خودشان بود. در شرایط کنونی از عشق گفتن راه‌گشا است؟ وضعیت کلی همیشه ما را به این سمت می‌برد که هنر، فرهنگ، عشق و... در زمانی که مشکل سیاسی یا اقتصادی دارید، اولویت نیست اما هیچ زمانی فضیلتی در مبارزه برای مردن پیدا نکردم. در جایی که شما نمی‌توانید خودتان را بروز بدهید و باید به یک فرم قالب تن داد، بیان امر شخصی خودش مبارزه است. خودم هم روی این موضوع تأکید داشتم که این نمایشگاه درک من از عشق است، بخش زیادی از افراد بازدیدکننده و افرادی که با آن‌ها صحبت کردم آن فضای عاشقانه را تجربه کرده بودند، بعضی از افراد هم می‌گفتند این نمایشگاه بیشتر از این که عاشقانه باشد، سیاسی است در صورتی که این‌ها برای من آن قدری تفکیک شده یا مجزا شده نیست. در مورد این مسأله پیش از نمایشگاه زمانی که با مدیر گالری بحث می‌کردم اولین پرسش این بود که چرا عشق! یعنی دقیقاً پرسش او همین بود که ما، تو را با یک رویکرد اجتماعی سیاسی مذاخه‌گرانه می‌شناسیم

چطور در چنین وضعیتی سراغ سوژه‌های عاشقانه رفته‌ای؟ در صورتی که برای من مسأله حتی به لحاظ زمان و وضعیت هم مهم بوده است. در یک جمله خلاصه بگویم «ما مبارزه می‌کنیم برای زندگی کردن و زندگی بهتر» بنابراین وقتی از زندگی یا عشق صحبت می‌کنید یک بخش هم همین است.



مواجهه با امر اخلاقی

نگاهی به سه نمایشنامه از محمد مساوات

نیلوفر ثانی
منتقد

سجاد تابش بعد از آخرین کار کارگردانی خود با نمایش «مختومه» که دو سالی از آن می‌گذرد، با سه نمایشنامه کوتاه از محمد مساوات بر صحنه آمده که فضای مینی‌مالی دارد. «اتفاق کثیف، چمدان و مترجم»، سه اپیزود این اجرا هستند. هر اپیزود مستقل بوده و حول یک اتفاق پیش می‌رود. اما آنچه در هر سه بخش مشترک است، ماهیت برخورد اخلاقی یا غیراخلاقی با مسائل است، که از زوایای دیگری به آن پرداخته می‌شود. زوایایی که در عین آنکه مساله اخلاقی مورد نظر را با جدیت مطرح می‌کند اما با چرخشی از زوایای دیگر آن را نقض می‌کند. اساس هر متن مبتنی بر نگاهی انسانی به شرایطی است که افراد در آن موقعیت، ناگزیر باید انتخابی داشته باشند. این انتخاب، گره مستقیمی به یک وضعیت اخلاقی خورده که تخطی از آن می‌تواند در همان ذهنیت پیش‌فرض و نهادینه شده در هر فرد، غیراخلاقی تفسیر شود اما متن و اجرا تلاش دارد مخاطب را در زوایای دیگر قرار دهد تا بتواند موقعیت را این‌بار با چشم ناظر ببیند و قضاوت و مواجهه‌ای متفاوت داشته باشد. مواجهه‌ای که چه‌بسا می‌تواند کاملاً در جهت خلاف عرف و تفسیر معمول، قرار بگیرد. محمد مساوات با تکیه بر رخدادهایی روزمره که در زیست افراد شاید به وفور در اشکال و ابعاد متنوع رخ می‌دهد، مبنای ایده خود را بنا نهاده و قصه خود را روایت می‌کند و سجاد تابش به‌عنوان کارگردان، تلاش دارد این ابعاد را به‌ویژه با تمرکز بر بازیگران و جزئیات حرکات و بدنمندی آنان در اجرا نیز محقق کند. استفاده از بازیگرانی کاربلد و حرفه‌ای و طراحی صحنه کمین، در بلک باکس شماره ۲ و جمع‌وجور مجموعه لبخند، میزانشن‌هایی نزدیک و همگرا و در فاصله اندک با تماشاگران، موبد این هدف بوده است. اپیزودها روایتی انسانی و امروزی دارند. وقایع هرچند تاریخی ندارند اما می‌تواند در همین زمانه اکنون رخ داده باشند و احتمالاً هر کدام بارها و بارها در حال وقوع‌اند و این پیوند همانی با مخاطبان برقرار شود.

اپیزود اول/اتفاق کثیف: پرسناری در اتاق پس‌مانده‌های عفونی بیمارستانی پناه برده و از خطای پزشکی که از او سرزده و مسئولیت حرفه‌ای که می‌تواند تبعات زیادی برایش داشته باشد، نگران است همکار او به دنبال او تا آنجا آمده و درباره آن اتفاق گفت‌وگو می‌کند. نوزادی جابه‌جا شده و به جای نوزاد دیگری که مرده به دنیا آمده به مادرش تحویل داده‌اند و به مادر نوزاد اول، گفته شده که فرزندش مرده است. این جابه‌جایی که تنها بین این دو پرستار روشن است، وضعیتی را پیش آورده که فاش آن، از سوی هم مشکلات حرفه‌ای برای پرستار ایجاد می‌کند و هم برای مادر جوانی که حالا نوزاد را در آغوش دارد و دیگر قادر به فرزندآوری نیست، ضربه هولناکی رقم می‌زند. مساوات با اطلاعاتی قطر چکانی این وضعیت را طوری ترسیم می‌کند که امر بدیهی اخلاقی، می‌تواند دچار خدشه باشد و حتی در ضمیمت خود، چه‌بسا خیرخواهانه تلقی شود. موضع فرد در این دست موارد چیست؟ و آیا می‌توان از حدود اخلاقیات، تخطی کرد؟

اپیزود دوم /چمدان: در فرودگاه امام، دختری در آستانه مهاجرت است و از چمدانی که مسافری به او سپرده مراقبت می‌کند. در این فاصله با پارتر عاطفی خود مشغول گفت‌وگو



می‌شود. مرد جوان از آنکه پارتترش با وجود ممنوع‌الخروجی او باز هم تصمیم به مهاجرت گرفته، گلایه‌مند و تحت فشار روانی و عاطفی است. این مساله که بین بسیاری از زوج‌ها در حال رخ دادن است با اخلاق‌مداری در رعایت گشودن یا نگشودن چمدان امنیتی که صاحبش بسیار دیر کرده و خبری از او نیست، پیوند می‌خورد و به طور موازی پیش می‌رود. روابط چندین سساله عاطفی افراد که بدون شک، وابستگی و دلبستگی‌های عمیقی ایجاد می‌کند، آیا در موقعیتی که یکی از آنها به‌دلیل قادر به مهاجرت نیست و از این تصمیم، زخم‌های روانی مهلکی بر خواهد داشت، چه اندازه می‌تواند اخلاقی باشد؟ و آیا هر فرد حق دارد تعیین‌کننده آینده و نحوه زندگی و زیست خود فارغ از هر وابستگی و حجم صدمه‌ای که برای دیگری دارد، باشد؟

اپیزود سوم /مترجم: زن ترجمی در خانه و در اتاق کارش مشغول تدریس آنلاین زبان آلمانی است. پس از اتمام آن همسرش با او درباره اتفاقی که آن روز برای کودکشان افتاده و فراموشی مادر برای برگرداندن کودک از مهد، مشاجره می‌کند. مرد با تکیه بر این اتفاق به خود اجازه داده، وارد حریم خصوصی همسرش در گوشی موبایل او شده و درباره روابطش، پرسش‌ها کند. به‌ویژه روابط کاری که زن، مترجم شرکت همسرش با افرادی در خارج از ایران است. شک مرد به همسر، او را متهم به رابطه با شریک کاری آلمانی‌شان می‌کند و زن حین تلاش برای رفع آن ذهنیت، فکر می‌کند تا چه اندازه اخلاقی است که بخواهد از خود در برابر یک سوءظن و اتهام نادرست دفاع و تلافی کند؟ و چه حقی برای مرد وجود دارد که به واسطه روابط زناشویی به خود اجازه نقض حریم خصوصی

او و شکاکیتی بی‌مورد را بدهد؟ با ارتباط تصویری، با همکار آلمانی که بر برده پخش می‌شود، واقعتاً نیز برای تماشاگران روشن می‌شود. سجاد تابش در این اجرا تلاش کرده به ماهیت متنها و منظور محمد مساوات نزدیک شود. این چندگانگی اخلاقیات و موضع در برابر آن، ضمن اشتراکات با تماشاگر، او را در مقام قضاوت‌گر و مفسر قرار می‌دهد که بتواند در مواجهه با این دست مسائل، خود نیز درگیر این پرسش‌ها و انتخاب‌ها شده و به تفکر واداشته شود. نوپردازی و طراحی صحنه نیز بدون هیچ‌گرافه و جلب توجهی متمرکز بر اصل موضوع، بازی بازیگران و جزئیات روابط آنان است. تا آنچه قرار است بر صحنه جاری باشد، بخشی از زندگی، مسائل و شرایطی باشد که شاید بسیاری از مخاطبان برخی از آنها را تجربه کرده باشند. انتخاب سالن مناسب با حداقل فاصله تا جایگاه تماشاگران، در جهت اجرایی شدن این بی‌مرزی روایت‌ها و خارج شدن از بازنمایی و نمادین بودن آنهاست به همین دلیل هیچ فرم پیچیده یا تجربه‌گرایی در نظر گرفته نشده و تنها با بهره از افکت‌های صوتی مکان‌های مورد نظر ساده و روان، فضا سازی شده و اجرا می‌شود. بازی بازیگران که در هر اپیزود دو تن حضور دارند، اندازه و حرفه‌ای است. اگرچه به نظر می‌رسد آذین نظری و الهام شیعی کنترل‌شده‌تر کاراکترها را بازی می‌کنند. نمایش «سه نمایشنامه از محمد مساوات» که در عنوان نوعی آگاهی به مولف متنها، یعنی محمد مساوات را دارد، اجرایی قابل قبول است که ضمن ارائه برخی از نوشته‌های این نمایشنامه‌نویس مطرح و اشتراک آن با علاقه‌مندان، می‌تواند تجربه‌ای زیستی و اکتونی متعارف و متناسبی برای مخاطب فراهم آورد.

گزارش سینمای ایران

شکست رکورد ۲۴ سال گذشته

نزدیک به ۲۹ میلیون نفر امسال تماشاگر سینما شدند

عملکرد سینماها نشان می‌دهد که سینمای ایران موفق شده به لحاظ جذب مخاطب به بالاترین میزان طی ۲۴ سال گذشته برسد. با گذشتن تعداد مخاطبان امسال سینمای ایران از مرز ۲۸ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر، رکورد ۲۴ ساله مخاطبان سینما شکسته شد. این تعداد مخاطب، گیشه را نیز به ۱۶۰۰ میلیارد تومان رساند. این رکوردزنی در شرایطی محقق شده که امکان بهبود آمار مخاطبان سینما تا پایان سال همچنان وجود دارد و از این‌رو، هیچ بعید نیست که سینما بتواند حتی از آمار ۲۳ میلیون مخاطب سال ۱۳۷۹ نیز عبور کند.

هم‌اکنون ۳ کمدی «هفتادسی»، «زودیز» و «صبحانه با زرافه‌ها» مخاطبان بسیاری را به سینماها گسیل می‌دهند که از این میان، «هفتادسی» با توجه به اکران دیرتر نسبت به دو فیلم دیگر، ظرفیت بالاتری برای جذب مخاطب طی هفته‌ها و ماه‌های آتی دارد، بنابراین با چنین ترکیبی که هم‌اکنون روی پرده است و البته اکران نوروزی که برای امسال احتمالاً از نیمه‌های اسفند آغاز خواهد شد، می‌توان آمار مخاطبان و فروش گیشه بهتری هم برای امسال سینمای ایران پیش‌بینی کرد.

اگر آنچه در بهمن ۱۴۰۱ رخ داد و فروش فیلم‌های معمول روی پرده از فروش فیلم‌های جشنواره فجر بیشتر شد امسال نیز تکرار شود، سینماها تا همان پایان بهمن موفق خواهند شد تا با عبور از آمار ۲۳ میلیون مخاطب، تاریخ‌ساز شوند که البته تحقق این امر، متوجه اکران یک تا دو فیلم پرمخاطب برای بازه کنونی تا آغاز اکران نوروزی است که با ارائه مشوق‌هایی، این مهم نیز دست یافتنی است.

۳ فیلم پرمخاطب و پرفروش امسال، کمدی بودند که توانستند با سهم ۶۳۱ میلیاردی از گیشه تا امروز ۴۰ درصد کل مخاطبان امسال را از آن خود کنند. سینمای ۱۴۰۳ تا امروز ۶ فیلم با فروش بالاتر از ۱۰۰ میلیارد تومان و ۱۰ فیلم که مخاطبان میلیونی داشته است. در رأس این فهرست، کمدی «تگراس» قرار دارد که ۴ میلیون و ۴۴۶ هزار مخاطب جذب کرد و ۲۵۰ میلیارد تومان فروخت. به عبارتی، این فیلم توانسته تا به امروز ۱۶ درصد از مخاطبان امسال سینما را در اختیار داشته باشد. کمدی «زودیز» نیز که انتظار بیشتری از آن می‌رفت و قربانی فیلم‌سوزی شد، تاکنون ۳ میلیون و ۷۳۰ هزار مخاطب ۲۰۹ میلیارد تومان فروخته که ۱۳ درصد مخاطبان کلی سینما تا به امروز محسوب می‌شود.

کمدی «هفتادسی» نیز تا امروز با ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار مخاطب به فروش ۱۷۲ میلیارد تومانی دست یافته است، یعنی ۱۱ درصد از کل مخاطبان امسال سینما را به خود اختصاص داده است بنابراین ۳ فیلم پرمخاطب و پرفروش امسال، همه کمدی بودند که توانستند با سهم ۶۳۱ میلیاردی از فروش گیشه تا به امروز ۴۰ درصد کل مخاطبان سینما را به خود اختصاص دهند. «تمساح خونی»، «مست عشق»، «صبحانه با زرافه‌ها»، «پول و پارتی»، «خجالت نکش ۲»، «سال گریه»، «بچی قهرمان»، «بی‌بدن»، «قیف» و «مفتبر» ترکیب دیگر فیلم‌های پرمخاطب امسال را تشکیل می‌دهند.

سینمای ایران درحالی امروز به جذب ۲۸ میلیون و ۶۰۰ هزار مخاطب رسیده که این میزان برای سال گذشته ۲۸ میلیون و ۲۶۰ هزار مخاطب بود. تعداد مخاطبان سینما در سال ۱۴۰۱، ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بود. این آمار برای سال ۱۴۰۰، ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام شد. به گزارش ایرنا اگر سینما بتواند از سد ۳۳ میلیون مخاطب سال ۷۹ عبور کند (امری که دور از دسترس نیست) قله بعدی برای فتح ۳۳ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر سال ۷۸ است. سنگ بزرگ اما آمار سال ۷۶ است که در این سال ۲۹ میلیون و ۹۰۰ هزار نفر به سینما رفتند. شکستن این آمار نیازمند برنامه‌ریزی هدفمند در تقسیم‌بندی‌های مختلف سینمایی در طول بازه‌های مختلف سال است.

اینکه سینما بتواند تا پایان امسال، رکورد مخاطبان ۲۴ ساله سینما را بشکند، رخدادی قابل توجه است؛ سینمای ۱۴۰۳ در شرایطی به این مهم دست می‌یابد که تعداد فیلم‌های تأثیرگذار برای رقم خوردن چنین آمار بی‌بیش از ۱۰ عنوان می‌رسد حال آنکه این اتفاق در رقم خوردن مخاطبان سال گذشته تحت تأثیر فروش تنها ۲ فیلم بود. این امر نشان داد، روند افزایش تعداد بازیگران موثر اتفاق مهمی است که ادامه آن برای سال آینده نیز کارآمد است. هرچند این رکورد، موهبی را برای سینما داران به دنبال دارد اما نباید فراموش کرد که این فروش در تسخیر فیلم‌های کمدی است و سینمای اجتماعی ایران رو به احتضار است. با وضعیت موجود کمتر تهیه‌کننده‌ای رغبت به ساخت فیلم جدی و اجتماعی دارد و با روند فعلی، چیزی از این فیلم‌ها در سینما باقی نخواهد ماند و تنها کمدی‌ها با یکدیگر در گیشه رقابت خواهند کرد.



آگهی تجدید مناقصه عمومی خرید و تأمین کالا و تجهیزات، نصب، اجرا و راه اندازی و تکمیل پروژه پایش تصویری

۶) سپرده شرکت در مناقصه مبلغ ۱۹/۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، به حروف (نوزده میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون ریال) می‌باشد. که می‌بایست به صورت یکی از روشهای مشروحه ذیل در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری و اصل رسید بانکی واریز وجه یا ضمانتنامه بانکی تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ ساعت ۱۴:۰۰ به دبیرخانه شهرداری واقع در بلوار رسول اکرم (ص)، ساختمان مرکزی شهرداری ملارد تسلیم گردد. (الف) رسید بانکی واریز وجه مذکور به حساب شماره ۰۱۱۶۶۸۵۴۲۸۰۰۳ سپرده شرکت در مناقصه نزد بانک ملی ب) ضمانتنامه بانکی به نفع شهرداری ملارد به حساب به شماره ۰۱۱۶۶۸۵۴۲۸۰۰۳ نزد بانک ملی ایران شعبه ملارد کد ۲۶۱۶

۷) لازم بذکر است نفرات اول، دوم و سوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب به نفع کارفرما ضبط خواهد شد.

۸) لازم بذکر است سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به معامله در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

۹) لازم بذکر است شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادهای مختار است.

۱۰) هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه است.

۱۱) زمان بازگشایی پیشنهادهای در ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۸ در سالن جلسات ساختمان مرکزی شهرداری ملارد می‌باشد.

شهرداری ملارد در نظر دارد به استناد بودجه مصوبه سال ۱۴۰۳ به شماره ۱۷۴۱/ش م ص/۱۴۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۷، مناقصه عمومی خرید و تأمین کالا و تجهیزات، نصب، اجرا و راه اندازی و تکمیل پروژه پایش تصویری را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت عدم عضویت در سامانه نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت بر خط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را بعمل آورند.

۱) موضوع مناقصه: خرید و تأمین کالا و تجهیزات، نصب، اجرا و راه اندازی و تکمیل پروژه پایش تصویری (مبلغ اعتبار: ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) (سیصد و نود و پنج میلیارد ریال)

۲) مدت اجرای کار: ۵ ماه می‌باشد.

۳) مهلت خرید و دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ ساعت ۱۴:۰۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می‌باشد.

۴) مهلت قبول و بارگذاری پیشنهادهای: از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۶ تا تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ ساعت ۱۴:۰۰ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۳/۱۰/۱۲



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

سال نزول

آیا مردم جهان از تجملات دور شده‌اند؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

امسال تعداد کیف‌های تجملی و کفش‌های پاشنه‌بلند در زیر درخت کریسمس کمتر می‌شود. طبق گزارش موسسه مشاوره بین (Bain) هزینه‌کرد برای کالا‌های تجملاتی در سال ۲۰۲۴ تا ۲ درصد کاهش می‌یابد. فروش اقلام تجملاتی و چرمی در شرکت LVMH، بزرگ‌ترین مجموعه مد جهان رو به نزول گذاشته است. شرکت کرینگ (Kering)، مالک برند گوجی هشداد داد که سودآوری شرکت در حال کاهش است. کسانی که از بایانویل کالا‌های برند ورساچه دریافت می‌کنند به اندازه گذشته خوشحال نمی‌شوند، چون این شرکت ۴۰ درصد از محصولاتش را با تخفیف می‌فروشد. این روند تئوری به دنبال صعود فوق‌العاده صنعت تجمل می‌آید. در دهه گذشته برندها به مشتریان بیشتر می‌رسیدند و صنعت را رشد دادند. طبق گزارش موسسه پین، فروش جهانی کالا‌های تجملی شخصی از ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۴۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسید. هم‌زمان مجموع ارزش بازاری ۱۰ بنگاه ارزشمند غربی صنعت مد از حدود ۳۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به یک تریلیون دلار افزایش یافت. اما ارزش آنها در ۱۲ ماه گذشته به میزان ۱۰ درصد پایین آمد و روند حرکت معکوس شد. آیا صنعت تجمل می‌تواند جذابیت گذشته را بازیابی کند؟ رشد صنعت تجملات مدیون دو عامل بود. جهانی‌سازی را باید عامل اول دانست. برندهایی که با هدف فروش به طبقه برتر در مکان‌هایی مانند لندن، نیویورک و پاریس پدید آمده بودند به سرعت به سمت شرق، به‌ویژه چین متوجه شدند. دلیل این امر کاملاً آشکار بود. طبق گزارش بانک یو‌ای‌اس، در سال ۲۰۰۰ فقط ۳۹ هزار میلیون‌دلاری در چین وجود داشت، اما تعدادشان در سال ۲۰۲۳ به ۶ میلیون نفر رسید که پس از آمریکا در رتبه دوم و ۲ برابر تعداد میلیون‌رهای بریتانیا بود. بازار چین حدود ۱۵ درصد از فروش کالا‌های تجملاتی را در سال ۲۰۲۳ جذب کرد که پنج برابر میزان آن در سال ۲۰۰۰ بود. عامل دوم رشد آن چیزی است که متخصصان صنعت تجملات آن را «موکراتیزه شدن» می‌نامند. بدان معنا که برندهای تجملاتی علاوه بر خدمت‌رسانی به ثروتمندان و ابرثروتمندان محصولات را با قیمت‌های پایین‌تر تولید می‌کنند. به‌عنوان مثال، گوجی جوراب‌های سفیدرنگی به ارزش ۲۰۰ دلار عرضه کرد (که در مقایسه با کیف‌های ۳۶۰۰ دلاری ارزان به نظر می‌رسند). طبق استناداردهای صنعت، هزینه‌کرد سالانه ۲۰۰ یورو یا کمتر برای کالا‌ها و خدمات تجملاتی مبلغی ناچیز به‌شمار می‌رود، اما تقریباً دوسوم از کل خریدها را کسانی انجام می‌دهند که همین اندازه خرج می‌کنند. در حال حاضر آن دو موتوررشد صنعت تضعیف شده‌اند. نرخ بالای بهره و سرد شدن بازار کار باعث شد خریداران طبقه متوسط پول کمتری برای هزینه‌کرد برای کالا‌های تجملاتی داشته باشند. در چین هم ترکیب بحران مسکن با کارزار دولتی علیه نمایش هرگونه تجمل‌گرایی باعث شد هزینه‌کردهای تجملاتی رو به کاهش گذارد. نوجوانان چینی به جای کیف‌های مسد روز ترجیح می‌دهند برای حمل وسایل‌شان از کیف‌های پلاستیکی استفاده کنند که نماد مقصد بودن آنهاست. افزایش شدید قیمت‌ها در چند سال گذشته هم خریداران را آزار داده است. بانک اچ‌اس‌بی‌سی می‌گوید، هم‌اکنون کالا‌های تجملاتی در مقایسه با سال ۲۰۱۹ بیش از ۵۴ درصد گران‌تر شده‌اند. قیمت یک کیف زنانه دیور (Dior) از ۳۲۰۰ یورو در سال ۲۰۱۹ به ۵۹۰۰ یورو در زمان حال رسید. اندریا گورا، رئیس شرکت برند پرادا که در چند سال گذشته قیمت‌هایش را به‌شدت بالا برده بود، آن اقدام را یک «اشتباه فاحش» می‌خواند. برخی فعالان صنعت تجملات با تأسف می‌گویند که روزهای رشد دیگر باز نخواهند گشت. به عقیده آنها، دیگر طبقه متوسطی وجود ندارد که بخواهد ۲۰۰ دلار برای یک جفت جوراب بپردازد. هیچ کشور نوظهور دیگری نیز وجود ندارد که بتواند به اندازه چند دهه گذشته در ۱۰ سال آینده مصرف‌کنندگان ثروتمند پدید آورد. با این حال، بدینی‌ها اغراق‌آمیزند. از یک‌سو، کاهش هزینه‌کرد تجملاتی در چین به آن اندازه که گفته می‌شود بد نیست. طبق برآورد شرکت کارگزاری برنستیان هزینه‌های تجملات در چین در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۶ درصد کمتر شد، اما بخشی از این کاهش به آن دلیل است که هم‌اکنون خریداران چینی بیشتر خریدهایشان را در خارج از کشور به‌ویژه در ژاپن انجام می‌دهند، چون ارزش پول آن از یوآن کمتر است. برنستیان گزارش می‌دهد که کاهش هزینه‌کرد تجملاتی خریداران چینی در کل جهان در سال ۲۰۲۴ فقط ۳ درصد خواهد بود. لورا پوردین، معاون مدیرعامل شرکت جواهرات تجملی بولگاری می‌گوید، وقتی از من می‌پرسند چین بعدی کجاست، پاسخ می‌دهم، همان چین سابق.

منبع: اکونومیست

۵۷

درصد

هزینه خوراکی

نسبت هزینه‌های ماهانه اقلام خوراکی برای یک خانوار ۴ نفره در آبان‌ماه به حداقل حقوق به ۵۷/۳ درصد رسیده است. این عدد در مدت مشابه سال گذشته معادل ۶۵/۶ درصد بوده است. با این حال در ماه گذشته نسبت هزینه‌های ماهانه تهیه اقلام خوراکی خانوار سه حداقل حقوق برابر با ۵۶/۸ درصد بود و در آذرماه افزایش ۰/۵ درصدی را تجربه کرده است. سهم خوراکی‌ها از سبد مخارج خانوار نسبت به سال گذشته بهبود داشته است.

۳

درصد

کاهش هزینه غذا

مرکز آمار تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها در آذرماه سال جاری را معادل ۲۶/۴ درصد اعلام کرده که نسبت به آبان ۲/۹ واحد درصد کاهش پیدا کرده است. این تورم در آبان‌ماه نسبت به ماه مهر با ۳/۳ واحد درصد افزایش را تجربه کرده بود. افزایش قیمت کالا‌های خوراکی درحالی ادامه دارد که نسبت به رقم تورم نقطه‌ای کل کشور که در آذرماه معادل ۳۱/۴ درصد بود، ۵ واحد درصد پایین‌تر است.

۵۷

درصد

حداقل حقوق

در آذرماه سال جاری سهم هزینه موادغذایی مصرفی یک خانوار ۴ نفره از حداقل حقوق به ۵۷/۳ درصد رسیده است. این در حالی است که سهم مذکور از حداقل حقوق در مدت مشابه سال گذشته معادل ۶۵/۶ درصد بود. با این حال در ماه گذشته سهم مواد غذایی یک خانوار ۴ نفره از حداقل حقوق برابر با ۵۶/۸ درصد بود و در ماه جاری رشد ۰/۵ واحد درصدی را ثبت کرده است.

اقتصاد ایران و ترامپ

آیا دونالد ترامپ به اقتصاد ایران شوک وارد می‌کند؟

سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

بازگشت دونالد ترامپ به قدرت و تاثیرگذاری او بر سیاست‌های ایالات‌متحده، می‌تواند پیامدهای مهمی برای ایران و ارزش دلار داشته باشد. در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، خروج از توافق هسته‌ای (برجام) و اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، پیامدهای اقتصادی شدیدی به همراه داشت. بسیاری از تحلیلگران و فعالان بازار انتظاراتی بدبینانه نسبت به روی کار آمدن مجدد این شخص دارند و معتقدند که احتمال بازگشت تحریم‌های اقتصادی شدید و کاهش حجم تجارت خارجی کشور در ۴ سال پیش‌رو وجود دارد که این امر در نهایت میزان ارز ورودی کشور را کاهش می‌دهد؛ اما به نظر می‌رسد در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ شرایط تا حدودی متفاوت باشد. بزرگ‌ترین فشاری که دونالد ترامپ می‌تواند به اقتصاد ایران وارد کند، تشدید نااطمینانی‌هاست. نااطمینانی، به معنای نامشخص بودن یک متغیر اقتصادی در آینده، عنصری غیرقابل اجتناب در فعالیتهای اقتصادی است. مدت‌زمان طولانی است که عرصه اقتصاد ایران، عرصه ناشناخته‌هاست، هم برای فعالان داخلی و بیش از آن برای سرمایه‌گذاران و شرکای خارجی. مسواری که دولت‌ها آگاهانه و با نیت درصدد کاهش نااطمینانی‌ها برآمده‌اند، بسیار کمتر از مواردی است که با سیاست‌های اشتباه نااطمینانی‌های بزرگی را به اقتصاد تحمیل کرده‌اند.

همه آنها که چند ماه پیش در انتخابات ریاست‌جمهوری به مسعود پزشکیان رای دادند، انتظار بهبود در شرایط اقتصادی کشور را می‌کشند. آنها این پرسش را مطرح می‌کنند که با توجه به شرایط سخت اقتصادی در سال‌های اخیر، به‌خصوص از زمان اعمال تحریم‌های اقتصادی، آیا می‌توان امیدوار بود که وضعیت اقتصاد ایران بهتر شود؟ به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط کنونی منطقه، ریسک دولت جدید آمریکا و احتمال تشدید تنش‌ها میان ایران و اسرائیل، صحبت از حرکت روبه‌رشد برای اقتصاد ایران، بسیار سخت است. اما نکته مهم در دو ماه پایانی سال برای اقتصاد ایران این است که آیا می‌تواند مانند سه سال اخیر، درآمدهای نفتی خود را داشته باشد، یا اینکه با آمدن ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا تحریم‌های اقتصاد ایران سخت‌تر از گذشته خواهد شد. در این زمینه باید به یک نکته توجه کرد که در دور اول ریاست‌جمهوری ایران فروش نفت ایران بسیار متنوع بود و ترامپ به راحتی توانست با اعمال تحریم‌ها فروش نفت ایران را کاهش دهد. اما در حال حاضر بیش از ۹۰ درصد از صادرات نفت ایران به چین است و این موضوع کار را برای تحریم‌های یک‌جانبه سخت می‌کند. از سوی دیگر، انتقال منابع نیز به شکل یک شبکه غیرمتمرکز بوده است و در نتیجه اثر تشدید تحریم‌ها، با دور نخست دوره جدید ترامپ متفاوت خواهد بود.

چشم‌انداز دلار

یکی از اثرهای اصلی فشار دولت ترامپ در گذشته، کاهش صادرات نفت ایران با اعمال تحریم‌های نفتی بود. با کاهش درآمدهای نفتی، توانایی دولت در جبران کسری بودجه و تامین ارز مورد نیاز برای واردات کاهش یافت، که این موضوع به مزاد تقاضای دلار در بازار و افزایش نرخ آن منجر شد. تکرار این سیاست‌ها می‌تواند فروش نفت ایران را به پایین‌ترین حد ممکن برساند و به رشد قیمت ارز در بازار بینجامد.

اثر دیگر می‌تواند اعمال تحریم‌های جدید غیرنفتی برای ایران باشد. این محدودیت‌ها می‌تواند مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات تجاری شود. در نتیجه، شرکت‌های ایرانی برای واردات

مواد اولیه، تجهیزات و فناوری با هزینه‌های بالاتری روبرو خواهند شد. از طرفی تحریم‌ها می‌تواند موجب کاهش درآمدهای ارزی کشور شوند، کاهش درآمدهای ارزی فشار بیشتری بر بانک مرکزی ایران وارد می‌کند و باعث افزایش نرخ دلار در برابر ریال می‌شود. این امر به تورم و کاهش قدرت خرید مردم منجر خواهد شد. از سوی دیگر، تحریم‌های جدید دسترسی ایران به نظام بانکی بین‌المللی را محدودتر می‌کنند. این وضعیت به افزایش هزینه صادرات و کاهش رقابت‌پذیری کالا‌ها در بازار خارجی منجر می‌شود که خود فشار بیشتری بر اقتصاد داخلی وارد می‌کند.

در بلندمدت، ادامه تحریم‌ها ممکن است ایران را به سمت اتخاذ سیاست‌های اقتصادی متفاوت مانند تلاش برای کاهش وابستگی به نفت، توسعه تولید داخلی، یا گسترش همکاری‌های منطقه‌ای سوق دهد. با این حال، این اقدامات زمان‌بر هستند و ممکن است نتایج کوتاه‌مدتی نداشته باشند. به طور کلی، تحریم‌های بیشتر می‌توانند چرخه‌ای از کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم و افت رشد اقتصادی را تقویت کنند، مگر اینکه ایران بتواند راهبردهای موثری برای کاهش اثرات تحریم‌ها به کار گیرد.

در مجموع، در نگاه بدبینانه قیمت دلار با شدت افزایش پیدا خواهد کرد. اما این افزایش به اندازه دوره اول ترامپ و سیاست فشار حداکثری نخواهد بود، چراکه ایران، این بار تجربه شرایط تحریم حداکثری را به همراه دارد. همچنین شرایط حاکم بر منطقه عوض شده و چین هم بازار شرق آسیا را تحت کنترل خود در آورده است. با اعمال تحریم توسط ایالات‌متحده، ایران بیشتر به سمت بازار شرق آسیا، به‌خصوص چین که یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران محسوب می‌شود، سوق داده شده و شدت وابستگی به غرب کمتر خواهد شد. از سمت دیگر، آمارهای منتشر شده از سوی رسانه‌های داخلی و خارجی گویای آن است که میزان فروش نفت در دو سال گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است. در نتیجه تقویت ذخایر ارزی به بانک مرکزی کمک کرده تا نوسانات ارزی را بهتر کنترل کند. این پشتوانه، تاب‌آوری بازار ارز را در مقابل فشارهای خارجی تقویت کرده و می‌تواند مانع از سقوط ارزش ریال شود.

با این توصیف‌ها، سوال این است که آینده درآمدهای ایران با وجود ترامپ چه می‌شود؟ حتماً به خاطر دارید که صادرات نفت ایران در دوران «فشار حداکثری» ترامپ به زیر ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسید و در دوران جو بایدن به حدود ۲ میلیون بشکه در روز برگشت و این تفاوت بزرگی است. حال که ترامپ برنده انتخابات شده، احتمال افزایش کسری بودجه افزایش می‌یابد، چراکه ترامپ فروش نفت ایران را محدود می‌کند و در نتیجه درآمد ایران از محل فروش منابع نفتی کاهش می‌یابد.

مهم‌ترین کانالی که انتخابات آمریکا می‌تواند بر اقتصاد ایران تاثیر بگذارد، از مسیر آسان‌گیری یا سخت‌گیری در تحریم‌های اقتصادی است. منابع درآمدی بودجه در لایحه بودجه ۱۴۰۴ از دو مسیر سهم ۲۸/۵درصدی دولت از صادرات نفت، گاز و فرآورده‌ها و انتقال ۲۸ درصد از سهم ۴۸درصدی صندوق توسعه ملی به دولت (استقراض از صندوق) با وضعیت تحریم‌ها مرتبط می‌شود. در لایحه بودجه ۱۴۰۴ که تا خوش‌بینانه است، صادرات نفت، یک میلیون و ۷۵۰ هزار بشکه در روز، صادرات فرآورده‌ها، ۴۰۰ هزار بشکه در روز و صادرات گاز، ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال و مجموع درآمد ریالی دولت از این محل (با احتساب استقراض از صندوق توسعه ملی) حدود ۱۰۵۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. روشن است که در صورت تغییر شرایط سیاست خارجی، میزان صادرات نفت و گاز (و قیمت آن) دستخوش تغییر می‌شود. این می‌تواند به پاشنه‌آسیل دولت تبدیل شود، به‌ویژه آنکه بودجه هم‌اینک هم کسری بالایی دارد. در صورتی که ترامپ درآمدهای نفتی ایران را کاهش دهد، فشار زیادی به بودجه دولت وارد می‌آید و کسری

بودجه تشدید می‌شود که در این صورت تورم افزایش پیدا می‌کند. از سوی دیگر، تشدید تحریم‌ها و جلوگیری از فروش نفت، به معنی کاهش ورود ارز به کشور است که این موضوع هم می‌تواند باعث افزایش نرخ ارز شود. نرخ ارز و نوسانات آن از عواملی است که بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار است. این متغیر علاوه بر عوامل بنیادی از جمله تورم، وضعیت بودجه دولت، تراز حساب جاری و حساب سرمایه و سیاست‌های پولی و مالی دولت تابع عوامل رفتاری، عوامل سیاسی و محیط بیرونی از جمله تغییرات بازارهای جهانی، تحولات سیاسی، توافقات بین‌المللی و تنش‌های منطقه‌ای است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به تنش‌های اخیر منطقه‌ای، نرخ ارز به قله تاریخی رسیده است. همسو با افزایش نرخ ارز آزاد، نرخ ارز نیما نیز در حال افزایش است. نکته دیگر اینکه دولت نیز در بودجه این مساله را در نظر گرفته که نرخ ارز ترجیحی را با تورم تعدیل کند و احتمالاً نرخ آن به حدود ۳۷ هزار تومان افزایش یابد. پیش‌بینی نرخ ارز برای نیمه دوم سال جاری بسیار دشوار است، زیرا روی کار آمدن ترامپ نیز می‌تواند اثر قابل توجهی داشته باشد، اما به نظر می‌رسد که می‌توان با ابزارهای اقتصادی و سیاسی، شرایط را کمی مدیریت کرد. اما برای مدیریت ارز باید چه کار کرد؟ مهم‌ترین سیاستی که می‌توان برای آن پیشنهاد داد، تلاش در جهت بهبود عوامل بنیادی همراه با کاهش تنش در محیط سیاسی و بیرونی است که می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد. بررسی منابع تامین ارز و مصارف ارزی کشور و وضعیت حساب سرمایه و تراز تجاری کشور تا حد زیادی دلایل افزایش نرخ ارز در بازار غیر رسمی را توجیه می‌کند. همچنین بررسی اختلاف تورم در دو کشور و تعدیل آن از طریق نرخ ارز از سال ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۲ مسیر افزایش نرخ ارز را به خوبی توضیح می‌دهد. علاوه بر عوامل بنیادی ذکر شده، تنش‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و چشم‌انداز کاهش یا افزایش این تنش‌ها در مقاطع زمانی مختلف جهش یا کاهش قابل توجه نرخ ارز را توضیح می‌دهد. به نظر می‌رسد کاهش شکاف نرخ سمانه‌های رسمی طراحی شده بانک مرکزی با بازار غیررسمی ارز نیازمند وجود شرایطی از جمله کاهش تورم داخلی به سطح قابل قبول، دسترسی به منابع ارزی قابل اتکا و مدیریت مصارف ارزی کشور است. همچنین توسعه بازارهای صادراتی کالا و خدمات با هدف افزایش ارزآوری و گسترش مبادلات با کشورهای منطقه از عواملی است که می‌تواند تا حد قابل توجهی مدیریت بازار ارز را در شرایط موجود تسهیل کند.

در مجموع همان‌طور که کارشناسان عنوان می‌کنند، وضعیت آینده اقتصاد در دستان رویدادهای غیراقتصادی قرار گرفته است. هر گشایش سیاسی در سپهر کشور می‌تواند حال اقتصاد را بهبود دهد و هر میزان افزایش در تنش‌های سیاسی و تحریم، خیر بدی برای آینده اقتصاد خواهد بود.

تحلیل روند قیمت دلار در ایران نشان می‌دهد که این متغیر تحت تاثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و بیرونی قرار دارد که شامل تراز تجاری، درآمدهای نفتی، سیاست‌های داخلی و تحولات بین‌المللی می‌شود. تراز تجاری کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در فشارهای وارده بر نرخ ارز ایفا می‌کند. در شرایط کسری تجاری و افزایش هزینه‌های واردات، تقاضا برای ارز، به‌ویژه دلار افزایش یافته و این امر به تضعیف ارزش پول ملی و تقویت نرخ دلار منجر می‌شود. از سوی دیگر، درآمدهای نفتی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع ارزی کشور، تاثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر بازار ارز دارد. تغییرات در قیمت جهانی نفت و حجم صادرات آن، می‌تواند عرضه ارز را تحت تاثیر قرار دهد و در کوتاهمدت موجب نوسانات قیمتی در بازار دلار گردد.

با توجه به تحولات اخیر، بازگشت احتمالی دونالد ترامپ به قدرت و سیاست‌های سختگیرانه او در قبال ایران عامل دیگری است که می‌تواند فشارهای بیشتری به بازار ارز وارد کند. این فشارها ناشی از محدودیت در صادرات نفت و تحریم‌های غیرنفتی است که موجب کاهش جریان ارزی به کشور خواهد شد و در نهایت افزایش قیمت دلار را به همراه خواهد داشت. با این حال، افزایش فروش نفت در سال‌های اخیر و تقویت ذخایر ارزی می‌تواند به‌عنوان عاملی تعدیل‌کننده، از شدت نوسانات ارزی بکاهد و تا حدی بازار ارز را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر کند.



کاهش ۳۴ درصدی بارش

میانگین بارش کشور طی ۷ روز منتهی به ۱۰ دی ماه ۴۰۲ میلی‌متر بود که نسبت به میانگین ۵ میلی‌متری بلندمدت ۱۷.۳ درصد کاهش یافته است. میانگین بارش از ابتدای فصل جاری ۴۰۵ میلی‌متر ثبت شد اما میانگین بلندمدت ۷۰۳ میلی‌متر است بنابراین ۳۸.۸ درصد کاهش یافته است. میانگین بارش از ابتدای سال جاری ۳۸۰۴ میلی‌متر بود که نسبت به میانگین ۶۶۰۴ میلی‌متری بلندمدت ۴۲.۲ درصد کمتر شده است.



برخورد با اشتغال اتباع

محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران گفت: در بحث طرد اتباع کسانی که به طور مکرر بارها طرد شدند و برگشتند، شامل تشدید مجازات می‌شوند و براساس قوانین موجود برخورد لازم انجام می‌شود. با کسانی که به اشتغال و اسکان اتباع غیرمجاز کمک کنند نیز، برخورد خواهد شد. تاکنون در سطح کشور نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر از اتباع در سراسر کشور طرد شده‌اند؛ البته حفظ کرامت و شئونات مدنظر دستگاه خواهد بود.



حذف ارز ترجیحی

مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو گفت: اصلاح قیمت داروهای زیان‌ده یا با حاشیه سود بسیار پایین شروع شده است. در تجهیزات پزشکی یک میلیارد دلار ارز با نرخ ۴۲۰۰ تومانی برای شرکت‌ها تامین کرده‌ایم و از لحاظ تقدینگی کمک شده تا شرکت‌ها راحت‌تر بتوانند ارز مورد نیاز خود را بخرند اما این ارز در سال آینده به احتمال خیلی زیاد حذف و به ارز توافقی تغییر خواهد کرد.

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

استراتژی طالبان در قبال مساله آب

شمارش معکوس تا خالی شدن نقاط هم‌مرز با افغانستان



فرشید عابدی
روزنامه‌نگار

افغانستان دارای پنج حوضه آبریز است و سرانه آبی این کشور، بیشتر از کشورهای پیرامونش است و تمام رودخانه‌ها و منابع آبی این کشور از جغرافیای سیاسی‌اش خارج می‌شود، از طرفی افغانستان نسبت به کشورهای همسایه‌اش، حکم بالادست را دارد. ۹۰ درصد مردم افغانستان در حوضه‌های آبریز مشترک زندگی می‌کنند و ۸۴ درصد کل افغانستان در حوضه‌هایی واقع شده که با کشورهای همسایه مشترک است، از این بابت افغانستان با تمام کشورهای همسایه مناقشه آبی دارد. آب مازاد بر نیاز حوضه‌های آبریز افغانستان که به کشورهای همسایه این کشور می‌ریزد، باعث شده که حاکمان افغانستان از آب به‌عنوان یک ابزار اقتصادی و سیاسی بهره‌برند بنابراین کنترل آب‌های سطحی این کشور مهم‌ترین اصل در سیاست‌گذاری آبی افغانستان به شمار می‌رود. از زمان روی کار آمدن طالبان در افغانستان به‌رغم کاهش حجم سرمایه‌گذاری خارجی و فراری شدن تکنسین و مهندسان سدساز، سیاست‌های آبی این کشور تغییر نکرده اما کم شدن تعداد مهندسان سدساز در سال‌های ابتدایی تسلط طالبان بر این کشور، باعث شده بود تا روند سدسازی کند و روند احداث کانال‌های انحراف و انتقال آب سرعت گیرد، اما توم عثمانی‌گری اردوغان باعث شده که پیمانکاران سدساز ترکیه، تکمیل سدهای افغانستان را به عهده گیرند. حکام افغانستان در ادوار مختلف، کنترل آب‌های سطحی مازاد این کشور را با هدف توسعه کشاورزی دنبال می‌کردند و می‌کنند، اما در یک دهه اخیر علاوه بر افزایش سطح زیر کشت اراضی کشاورزی برای اشتغالزایی و تولید برق، مهندسی اجتماعی و گسترش و پراکنش پشتون‌های ناقل نیز یکی از استراتژی‌های افغانستان در قبال مساله آب به‌شمار می‌رود. از طرفی ابزار قرار دادن آب برای گرفتن امتیازات سیاسی و اقتصادی در راستای سیاست آب در برابر تیل (نفت) نیز یکی از مهم‌ترین اهداف رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان است. از آنجایی که مفهوم دولت - ملت در افغانستان اجرای موفقی نداشته و کماکان گروه‌های قومی به دنبال افزایش سهم خود در قدرت هستند لذا گروه قومی پشتون که جز چند دوره، حاکمیت افغانستان را در دست داشته، گسترش و پراکنش پشتون‌ها در نوار غربی و شمال افغانستان و تضعیف سایر گروه‌های قومی را تنها راه تثبیت قدرت خود می‌دانند. دخالت‌های کشورهای ثالث در رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان از زمان جنگ سرد مسوق به سابقه بوده و کشورهای مختلف و ابرقدرت‌های بلوک شرق و غرب برای افزایش سطح نفوذ خود در افغانستان، در پروژه‌های آبی این کشور سرمایه‌گذاری می‌کردند اما در یک دهه گذشته سدسازی‌های افغانستان با مداخله کشورهای بلوک غرب و ترکیه به جنگ آبی منطقه‌ای مبدل شده است. طالبان علاوه بر سدسازی بر روی رودخانه‌های بزرگی مثل هیرمند، هریرو و فراه، حتی به دنبال انسداد جریان آب بر روی رودهای با دبی پایین مثل خاشرود، هاروت رود، خوسپاس و ... هستند یا یک قطره آب وارد ایران و تالاب بین‌المللی هامون نشود. از بین بردن امنیت آبی، غذایی و زیست‌محیطی نخستین گام برای خالی شدن شهرها و روستاهای هم‌مرز با جغرافیای افغانستان است تا امنیت ملی این کشورها به صورت جدی مورد تهدید واقع شوند. بیکار شدن بهره‌برداران حوزه کشاورزی، کوچ سرمایه انسانی، افزایش اعتراضات ناشی از پیامدهای زیست‌محیطی سیاست‌های آبی، نابرابری‌های اجتماعی، تضعیف عمق استراتژیک کشورهای همسایه در خاک افغانستان، افزایش جمعیت پشتون‌های ناقل در جغرافیای هم‌مرز با ایران، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان، توسعه مکاتب دینی افراطی و به مخاطره انداختن تمامیت ارضی کشورها از اهداف جنگ آبی منطقه‌ای در افغانستان است که ترکیه و اسرائیل نیز در جغرافیای خود به‌عنوان بالادست چنین استراتژی را دنبال می‌کنند. همان‌طور که این جنگ آبی منطقه‌ای می‌تواند برای کشورهای همسایه خطر آفرین باشد، به همان اندازه می‌تواند حکومت‌ها را ساقط کند و ملت افغانستان را به خطر بیندازد اما با مداخله کشورهای خارجی در رویکرد هیدروپلیتیک افغانستان تغییری ایجاد نمی‌شود و به دلیل هويت‌سازی مساله آب در این کشور؛ توسعه‌نیافتگی آن مناطق و ضعف کشورهای همسایه در حوزه دیپلماسی عمومی. این چرخه ادامه خواهد داشت. ایران و سایر کشورهای که در معرض جنگ آبی قرار گرفتند، برای مواجهه با آن آمادگی ندارند بنابراین به دلیل عدم تعریف استراتژی کشور بالادست در مساله آب همواره مغلوب این مناقشه آبی بودند و نتوانستند برای خود یک ضداستراتژی مناسبی تعریف کنند.

هوای آلوده و قوانین اجرا نشده

معاون اجرایی رئیس‌جمهور عملکرد وزارت نفت در کاهش استفاده از مازوت و گازوئیل را رضایت‌بخش نمی‌داند

از طریق نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود که عمده سوخت مصرفی آنها گاز طبیعی است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده است تکیه بالای تولید برق به گاز طبیعی و از طرفی ناترازی در تولید و تقاضای گاز به ایجاد چالش در تامین سوخت نیروگاه‌ها، به‌خصوص در فصل زمستان منجر شده است که پیامدهای اقتصادی و زیست‌محیطی بسیاری دارد. بخشی از کمبود گاز در فصل زمستان با سوزاندن سوخت مایع (گازوئیل و مازوت) در نیروگاه‌ها جبران می‌شود. استفاده از مازوت و گازوئیل به‌عنوان سوخت جایگزین نیروگاه‌ها با زیان‌هایی همراه است؛ چراکه به دلیل ارزش بالاتر گازوئیل و مازوت نسبت به گاز طبیعی موجب عدم‌النتفع بالایی می‌شود.



گاز زیادی در کشور در مرحله تولید، انتقال و توزیع هدر می‌شود. مصرف‌کنندگان ایرانی در بخش صنایع و خانگی نیز به علت فرهنگ غلط مصرف و ضعف مشوق‌های صرفه‌جویی، موجب اتلاف گاز می‌شوند. اتلاف گاز از یک طرف و فقدان سرمایه‌گذاری لازم در توسعه منابع گاز دو دلیل اصلی ناترازی گاز است. با ۱۰ درصد ناترازی موجود و انتظار افزایش این رقم در آینده، چشم‌اندازی برای برهیز از مازوت‌سوزی وجود ندارد، مگر اینکه ایران بتواند گاز بیشتری از ذخایرش استحصال کند از منابع دیگر انرژی استفاده ببرد.

قانون هوای پاک؛ راهکارهای بر زمین مانده

قانون هوای پاک که در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید، راهبرد جامعی برای مقابله با آلودگی هوا ارائه می‌دهد. اما به گفته کارشناسان، اجرای این قانون با چالش‌های بودجه‌ای و هماهنگی میان نهادها مواجه است. مطابق با بررسی‌ها ۱۱ دستگاه اصلی در قانون هوای پاک وجود دارند اعم از سازمان ملی استاندارد با ۱۶ تکلیف، وزارت کشور با ۸ تکلیف، وزارت نیرو با ۹ تکلیف، برنامه بودجه با ۹ تکلیف، وزارت بهداشت با ۴ تکلیف، اقتصاد و دارایی با ۳ تکلیف، جهاد کشاورزی با ۶ تکلیف، راه و شهرسازی با ۷ تکلیف، محیط زیست با ۱۷ تکلیف، وزارت نفت با ۷ تکلیف و وزارت صمت با ۳ تکلیف در این زمینه باید تکالیف‌شان را اجرا کنند اما ۴۰ درصد این وظایف انجام نشده است. استاندارد آینده‌ها طبق آمار سازمان جهانی بهداشت برای آینده‌ها ۵ میکروگرم بر مترمکعب به طور سالیانه است و میانگین سالانه کشور ما بالای ۳۰ است و ۶ برابر حد مجاز است. مازوت با سوختش دی‌اکسید گوگرد و کربن سیاه تولید می‌کند و وارد ریه می‌شوند و اگر از حد مجاز بالاتر روند از عوارض آن سرطان است. در دنیا از مازوت استفاده می‌شود اما جایی استفاده می‌کنند که روی جمعیت اثر نمی‌گذارد و افراد زیادی در معرض نیستند. طبق آمار از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ به طور میانگین ۱۵ درصد از روزهای سال هوا در محدوده خوب، یعنی هوای پاک بوده است. به گفته رئیس‌جمهور، معاون وزیر بهداشت؛ «آمار مرگ‌ومیر در بحث آلودگی هوا متناسب است، یعنی شامل مرگ‌هایی است که عوامل متعددی دارد و بخشی از آن به آلودگی هوا مرتبط است. حدود ۳۰ تا ۳۵ هزار و در تهران حدود ۷ هزار مرگ متناسب به طور سالانه گزارش شده است». به گفته او «۱۴ درصد مرگ‌هایی که به علت بیماری سکه قلبی است مربوط به آلودگی هواست. یعنی از هر ۱۰۰ مرگ ۱۵ مرگ به علت آلودگی هواست. ۵۹۷ همت یعنی ۱۲ میلیارد دلار به طور سالانه شامل هزینه‌های

گروه اجتماعی: محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در حاشیه کارگروه ملی آلودگی هوا اعلام کرده که «در راستای کاهش آلودگی مواد نفتی شامل مازوت و گازوئیل و بنزین عملکرد وزارت نفت رضایت‌بخش نیست». او همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه حذف مازوت سوزی کارخانه‌ها به نتیجه مدنظر دولت رسیده است یا خیر اعلام کرده که «خیر این اتفاق رخ نداد».

هم‌زمان سمیه رفیعی، رئیس کمیسیون محیط زیست مجلس هم خبر داده که «در ۶ ماهه امسال به اندازه کل سال ۱۴۰۲ مازوت در کشور مصرف شده است». او همچنین گفته که «از ۲۳ دستگاهی که در قانون هوای پاک مسئولیت مستقیم دارند، اثربخشی ۱۱ دستگاه از بقیه بیشتر است که عملاً اکثریت آنها در کوتاهی‌ها در اجرای قانون مشارکت داشته‌اند».

رئیس کمیسیون محیط زیست اعلام کرده که «در این راستا به تمامی دستگاه‌های اجرایی تا روز شنبه مهلت داده شده است گزارشات نهایی عملکرد خود را ارائه کنند و روز یکشنبه پس از جمع‌بندی و صحت‌سنجی و طب مراحل قانونی، متخلفان به دستگاه قضایی برای برخورد معرفی خواهند شد».

رئیس کمیته محیط زیست کمیسیون کشاورزی و محیط زیست مجلس با اشاره به وضعیت آلودگی هوای کشور گفته که «اعداد و ارقام کشته‌شدگان آلودگی هوا که توسط وزارت

بهداشت اعلام می‌شود تنها مربوط به آلاینده ذرات معلق است و اگر سایر آلاینده‌های معیار را سنجش کنند، این اعداد خیلی بیشتر خواهد بود».

۱۶ آبان امسال محمدجعفر قائم‌پناه در حاشیه جلسه کارگروه ملی کاهش آلودگی هوا با حضور در جمع خبرنگاران گفت: با سرد شدن هوا، وارونگی دما اتفاق می‌افتد که یکی از علت‌های اصلی آن کمبود انرژی و ناترازی انرژی در تولید برق و تامین گاز نیروگاه‌هاست. بعضی نیروگاه‌ها ناگزیر برای تامین برق و جلوگیری از خاموشی، از مازوت استفاده می‌کردند که با دستور رئیس‌جمهور مازوت‌سوزی در ۳ نیروگاه اراک، اصفهان و کرخ حذف می‌شوند. بعد از آن اما خبر آمد که مجدد مازوت‌سوزی در نیروگاه‌هایی که مازوت‌سوزی در آنها ممنوع شده بود، انجام شده است. صدقه ترابی، سرپرست معاونت محیط زیست انسانی سازمان حفاظت محیط زیست ضمن تایید این موضوع از انجام اقدام قضایی علیه وزارتخانه‌های متخلف خبر داد.

مازوت، ماده‌ای است که در انتهای پروسه تقطیر نفت باقی می‌ماند ولی چون قابل احتراق است، در کشورهای ازمجمله روسیه، مصر، قزاقستان، کره‌شمالی و ایران به‌عنوان یک سوخت گرمایشی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مازوت‌سوزی از دیرباز در فصل سرما برای کمبود گاز در کشور رواج داشته است. با اینکه ایران منابع گازی فراوان دارد، اما به خاطر افزایش سالانه تقاضا، نمی‌تواند گاز را به همه مشترکان برساند. از این‌رو است که اولویت گازرسانی با منازل و واحدهای مسکونی است؛ بقیه به نیروگاه‌ها و صنایع فولاد و سیمان و پتروشیمی می‌رود. اینجاست که هر چقدر گاز کم بیاید؛ مازوت به سرعت جای آن را می‌گیرد.

ایران در ۱۴ نیروگاه کشور مازوت می‌سوزاند در حالی است که ایران بعد از روسیه بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را دارد. ولی به علت بالا رفتن مصرف داخلی گاز، ایران حالا در تامین گاز نزدیک به ۱۰ درصد کمبود دارد. کشور ما این اصطلاحاً «ناترازی» را با سوزاندن مازوت جبران می‌کند. اما مشکل ریشه‌دارتر این است که سبب سوختن ایران به‌شدت به گاز وابسته است.

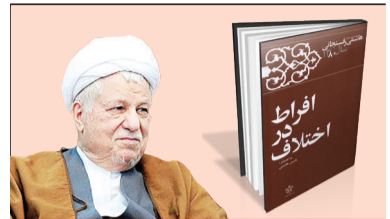
براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از «واکاو امنیت انرژی در ایران از منظر تنوع در سبب تولید برق» وضعیت ایران در تنوع سبب تولید برق در مقایسه با سایر کشورها مناسب نیست و ایران از این نظر در رتبه ۱۳۱ جهان قرار دارد و بیش از ۹۰ درصد تولید برق کشور از طریق نیروگاه‌های حرارتی است. منابع انرژی اولیه برای تولید انرژی برق کشور شامل گاز طبیعی، فرآورده‌های نفتی، زغال‌سنگ، هسته‌ای، آبی و منابع تجدیدپذیر است. اما هم‌اکنون بیش از ۹۰ درصد برق کشور

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیراقتناعی

مدیرهی: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌فر • حروف‌چین: مجتبی دیگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۱۷۴

ادامه پنج‌شنبه ۳ آبان

تظاهرات تند در کراچی

در کراچی [پاکستان]، تظاهرات تند و خشنی برای شهادت ۳۵ نفر از حرکت‌المجاهدین کشمیر در افغانستان، برپا شده و این باعث شرمندگی پاکستان شده که محل دوستان پاکستان، بمباران شده و هند از این حادثه خوشحال است. تلفات غیرنظامیان در افغانستان زیاد است؛ از جمله انهدام یک اتوبوس و کشته شدن مسافران و انهدام چند روستا در اطراف قندهار و هرات.

وزارت دادگستری آمریکا، اخبار مربوط به شکنجه متهمان به عملیات تروریستی در آمریکا را رد کرد؛ حدود ۸۰۰ نفر را بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بازداشت کردند و در بسیاری از کشورهای دیگر، افراد مظنون با خواست آمریکا بازداشت شده‌اند.

امروز بخشی دیگر از مجلس سنای آمریکا به خاطر آورده بودن به باکتری سیاه زخم تعطیل شد. طارق عزیز، [معاون نخست‌وزیر عراق] بعد از افساسی گرفتن باکتری سیاه زخم از آمریکا در جریان جنگ برای استفاده علیه ایران، گفت که آنها را بعد از جنگ، منهدم کرده‌اند.

جمعه ۴ آبان

ادامه بمباران افغانستان

در خانه بودم. برای خطبه‌های جمعه مطالعه می‌کردم و نیز رساله دکتری دانشجویی را خواندم که مواضع من و رهبری را در دوره ریاست‌جمهوری‌ام مقایسه کرده و نتیجه گرفته که مواضع من با خواست مردم نزدیکتر است و نقش رییس‌جمهور را عقلانی و قانونی خوانده است.

دیشب و امروز بارش باران داشتیم. برای اقامه جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ای در مورد حرص و قناعت و خطبه‌ای را در مورد اقدامات نادرست آمریکا در لشکرکشی به منطقه و جنگ با افغانستان ایراد کردم.

مصوبه شورای امنیت سازمان ملل درخصوص خروج قوای اسرائیل از ۶ شهر اشغالی در کرانه باختری مهم است؛ قبلاً اتحادیه اروپا چنین حکمی صادر کرده بود و آمریکا هم از اسرائیل خواسته بود. بمباران افغانستان و تلفات غیرنظامیان ادامه دارد. یک گروه افغانی به فرماندهی عبدالحق از فرماندهان جهادی سابق افغانستان، برای بازکردن جای پای برای ظاهرشاه در پاکستان، به منطقه طالبان نفوذ کرده بود، در محاصره طالبان درآمد و اسیر شد و جمعی کشته شدند و امشب اعلام کردند که او را اعدام کرده‌اند؛ با اینکه هوایما‌های آمریکا برای نجات او تلاش کردند؛ برای طالبان پیروزی است. در گزارش‌های مربوط به دیشب آمده که در تظاهرات جوانان بعد از پیروزی فوتالیست‌های ایران، خرابکاری و شعارهای بد هم بوده و جمعی هم بازداشت شده‌اند.

شنبه ۵ آبان

توضیحات ستاری‌فر در مورد بودجه

آقای [محمد] ستاری‌فر، رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آمد. توضیحاتی در مورد بودجه سال آینده داد و گفت، امسال تاکنون ۱۶۰۰ میلیارد تومان، عدم تحقق دارند و وزارت آموزش و پرورش، دفاع و علوم هم حدود ۵۰۰ میلیارد تومان کسر بودجه دارند. اعتبارات اشتغال‌زایی هم امسال و هم سال گذشته خیلی کم جذب شده و گفت، تصمیم گرفته شده که قیمت دلار در بودجه سال آینده ۷۷۰ تومان باشد؛ امسال ۷۹۰ تومان است و قیمت نفت را هر بشکه ۱۶ دلار در نظر گرفته‌اند.

روزگار سردار

درباره حاج قاسم سلیمانی به مناسبت سالگرد شهادتش



سردار قاسم سلیمانی از چهره‌های شناخته شده نظامی بعد از انقلاب است که سال‌ها آرزوی شهادت را در سر می‌پروراند، تمام عمر خود را در راه جهاد گذراند و سرانجام ۱۳ دی ماه سال ۱۳۹۸ در حمله موشکی بالگردهای آمریکایی به دو خودرو در فرودگاه بغداد همراه ابومهدی المهندس، معاون نیروی مردمی عراق به شهادت رسید. سازندگی به همین مناسبت به بخش از زندگی و اقدامات این شهید پرداخته است.

کودکی و طعم عدس پلوهای مادر

اسفند سال ۱۳۳۵ در یکی از شهرستان‌های استان کرمان به نام راتر به دنیا آمد. دوران کودکی و نوجوانی قاسم در کنار پدر و به کار بنایی گذشت گرچه همزمان به تحصیل نیز مشغول بود. با برادرش حسین سلیمانی فاصله سنی بسیار کمی داشت بنابراین بیشتر اوقات مدرسه و فراغت آنها با هم می‌گذشت. با هم به مدرسه می‌رفتند، ورزش می‌کردند و کتاب می‌خواندند. حاج حسین که دو سال از قاسم بزرگ‌تر بود هنوز هم طعم عدس پلوهایی که مادر روی آتش درست می‌کرد را به یاد می‌آورد. او در توصیف آن روزها می‌گوید: «درداً ۱۱ سال سن داشتم و کلاس پنجم ابتدایی بودم، بالطبع قاسم هم کلاس چهارم همان مدرسه بود. مادرم در یک طرف به من و حاج قاسم غذا می‌داد تا به مدرسه ببریم و بخوریم. یک روز قاسم به مادرم گفت: «من دیگر با حسین غذا نمی‌خورم» من احساس کردم شاید او به دلیل اینکه من زیاد غذا می‌خورم، می‌گوید دیگر با حسین غذا نمی‌خورد اما واقعا اینطور نبود چراکه من هم مراعات می‌کردم. آن روز گذشت و قاسم نیامد که من در مدرسه غذا بخورد. فردای آن روز مادر در دو طرف جداگانه به من و قاسم غذا داد. آن زمان در مدرسه ما دانش‌آموزانی از روستاهای اطراف می‌آمدند که شاید تنها یک وعده در روز غذا می‌خوردند و اوضاع مالی بسیار بدی داشتند. من به چشم خود دیدم، حاج قاسم ظرف غذایی که مادر داده بود را بین همان دانش‌آموزانی برد که اوضاع مالی خوبی نداشتند و غذای خود را به آنان داد». آن طور که برادر تعریف می‌کند، قاسم خیلی زود درس‌ها را یاد می‌گرفت بنابراین در مدرسه هم گاهی به جای معلم‌ها پای تخته می‌ایستاد و به دانش‌آموزان درس می‌داد. اهمیت زیادی برای خانواده قائل بود، دغدغه‌ای که باعث شد تا در ۱۳ سالگی برای کار راهی کرمان شود تا بتواند هم بدهی پدرش را بدهد و هم به خانواده در امر معاش کمک کند. به دلیل نوع زندگی عشایری، چابک و ورزیده بود و وقتی هم

در جریان جنگ شهید شد. برای تدفین احمد، خودش به روستا آمد. داخل قبر بود. مرا صدا زد. من رفتم آنجا و دیدم حاجی در قبر ایستاده است. گفت: بیا پایین داخل قبر. رفتم پایین. گفت: می‌خواهم کمکم کنی تا پیکر احمد را دفن کنیم. من و حاج قاسم و علیمحمدی داخل قبر بودیم. بیرون که آمدیم به من گفت: قبل از پیروزی انقلاب، من و احمد و علی سلیمانی نستیم و سوگند یاد کردیم در صحنه‌های انقلاب با هم باشیم. براساس عهدی که سه نفری با هم بستیم، وارد سپاه و بعد جبهه‌ها و دفاع مقدس شدیم. علی سلیمانی سال ۶۰ در عملیات طریق‌القدس در بستان به شهادت رسید. در آن عملیات من و احمد زخمی شدیم. الان هم احمد رفت و من ماندم. براساس عهدی که با هم بستیم، منتظرم به دستانم بیوندم». سال ۱۳۶۰ با حکم محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران به عنوان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله منصوب شد و در جریان جنگ از فرماندهان عملیات‌های والفجر ۸، کربلای چهار و کربلای پنج نیز بود. جنگ در سال ۱۳۶۷ تمام شد اما کار او تمام شدنی نبود؛ لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی سردار سلیمانی به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند. سردار سلیمانی در بهمن ۱۳۸۹ خورشیدی از سوی رهبر انقلاب به بالاترین درجه نظامی در ایران، یعنی درجه سرلشکری رسید.

برخی اقدامات سردار در خاورمیانه

شهید قاسم سلیمانی در خاورمیانه به ویژه در مقابل و مهار داعش، نقش پررنگی داشت اگرچه پیش از انتصاب حکم فرماندهی سپاه قدس با باند‌های قاچاق موادمخدر در مرزهای ایران و افغانستان می‌جنگید. او پس از ظهور داعش در عراق و سوریه با حضور در این مناطق و سازماندهی نیروهای مردمی به مبارزه با این گروه پرداخت. نیروی قدس به رهبری سلیمانی نقش تأثیرگذاری در روند جنگ عراق داشت همچنین او در جنگ داخلی سوریه، حضور تأثیرگذاری در مقابل گروهک تروریستی داعش داشت. با شکل‌گیری کامل گروهک تروریستی داعش و یورش آنها به مناطقی از عراق و سوریه در ۲۰۱۴ میلادی سردار سلیمانی و یارانش به مبارزه با گروهک تروریستی داعش پرداختند. او در تمام این دوران همواره به وسیله مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی به ترور تهدید می‌شد و سرانجام در پامداد جمعه ۱۳ ماه سال ۱۳۹۸ با حمله موشکی بالگردهای آمریکایی به شهادت رسید.

حضور در جبهه

و ماجرای پیوستن به سپاه

حاج قاسم از سال ۵۶ به عنوان یکی از نیروهای فعال در اطلاع‌رسانی و حضور در راهپیمایی‌های انقلابی بود، یک روز اعلامیه و عکس امام (ره) را پخش می‌کرد و روز دیگر برنامه‌های رژیم شاهنشاهی را به هم می‌ریخت. روزی هم که بنیانگذار انقلاب اسلامی به ایران بازگشت در نبود تلویزیون، همراه اهالی روستا و بقیه دوستانش، پای اخبار لحظه‌به‌لحظه رادیو نشستند. حاج قاسم بعد از انقلاب به سپاه پیوست و در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، چندین گردان از سپاهیان کرمان را آموزش می‌داد تا به جبهه‌های جنوب اعزام شوند و کمی بعد خود او هم در صدر یک گروهان به سوسنگرد اعزام شد تا از پیشروی رژیم بعث در جبهه مالکیه جلوگیری کند. علیجان سلیمانی از اهالی ایل بزرگ سلیمانی، ماجرای پیوستن حاج قاسم به سپاه را چنین تعریف می‌کند: «روزی احمد سلیمانی، یکی از دوستانش

تقویم

شروط شاه

برای نشستن پای میز محاکمه

بازخوانی مصاحبه با شاه و فرح



روز سه‌شنبه چهارم دی ماه ۱۳۵۸، ۱۰ روز پس از ورود شاه به پاناما و ۵۱ روز پس از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، خبرنگار روزنامه انگلیسی «دیلی‌میل» برای مصاحبه با شاه و فرح به اقامتگاه موقت آنان در پاناما رفت.

شاه در این گفت‌وگو که در بحبوحه بحران گروگان‌گیری انجام می‌شد و حکومت ایران آزادی گروگان‌ها را مشروط به استرداد شاه به کشور برای محاکمه کرده بود، گفت که حاضر است پای میز محاکمه بنشیند اما در عین حال شروطی را برای این کار مطرح کرد. روزنامه کیهان روز چهارشنبه ۱۲ دی ۵۸ بخش‌هایی از مصاحبه دیلی‌میل با شاه و فرح را به نقل از یونایتدپرس منتشر کرد که به تازگی بخش‌هایی از آن در خبرگزاری خبرآنلاین منتشر شده است. روزنامه دیلی‌میل که با شاه مخلوع مصاحبه کرده است، اظهار نظر می‌کند که شاه کم‌کم خود را برای شرکت در یک جلسه بین‌المللی برای پاسخ‌گویی درباره اتهاماتی که به او در دوران سلطنتش وارد می‌شود، آماده می‌کند و قبول کرده است که می‌تواند پاسخ‌گوی این اتهامات باشد.

محمدرضا پهلوی در پاسخ به خبرنگار روزنامه انگلیسی «دیلی‌میل» گفت: «من خوشحال می‌شوم که درباره من با آنچه که در دوران سلطنتم برای ایران کسب کرده‌ام، قضاوت شوم. من حاضر در یک دادگاه بی‌طرف توسط قضاوت محاکمه شوم اما با توجه به سوابق باید این رسم برای تمام سران کشورهایی هم که شامل دگرگونی رژیم شده‌اند، بشود و هر رهبری که از کار برکنار می‌شود، رژیم جدید او و سران قدیم را به محاکمه بکشاند». خبرنگار دیلی‌میل گزارش می‌دهد که شاه در تمام طول مصاحبه سسر پرا ایستاده بود و تنها یک بار برای پاسخ به تلفنی نشست. او در جواب اینکه حال خود را چگونه توصیف می‌کند، گفت: «بهترم». فرح دیبا، همسر شاه مخلوع هم در گفت‌وگویی که با خبرنگار دیلی‌میل انگلیسی داشت، گفت: «این جزیره قشتنگ است اما در صورتی که شما در درون هم خوشحال باشید. تحت آن چنان تشنج عصبی هستم که حتی قادر به نگاه کردن به این جزیره و دریای قشتنگ نیستم و اصلاً من نمی‌توانم ببینم».

فرح در پاسخ این سوال که چه احساسی در مورد ۵۰ گروگان آمریکایی در تهران دارید، گفت: «ما خود گروگان‌هایی هستیم که هم گروگان هستیم و هم شکنجه می‌شویم. این مشکل است و احساس ما احساس یک زندانی است. با وجود مأموران امنیتی، قایق‌های گشتی امنیتی، سسوالا گوناگون در هر جا، شرایطی بدتر از زندان را برای ما به وجود آورده است. هر بار که من می‌خواهم کسی را ببینم باید تصمیم بگیرم که آیا می‌توانم بخندم یا خیر! و البته هر روز بچه‌ها هراسان‌تر می‌شوند از اینکه ممکن است چیز تازه‌تری اتفاق بیفتد. نه من و نه شوهرم هیچ وحشتی از مردن نداریم و تنها فکر و ناراحتی ما بچه‌هایمان و ایرانی‌هایی هستند که کشته شده‌اند. بالاخره روزی این دربه‌دری به پایان خواهد رسید و ما در یک منطقه آرام و بدون دغدغه خاطر به زندگی خواهیم پرداخت. من دعا می‌کنم که این وضع هرچه زودتر خاتمه یابد».